

بازتعریف الگوهای طراحی مسکن معاصر بر اساس معیارهای مردم‌شناختی در راستای برنامه ریزی شهری (نمونه موردی: خانه‌های شهر بم)^۱

پونه پورسیستانی

دانشجوی دکتری گروه معماری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

مهناز محمودی زرنندی^۲

دانشیار گروه معماری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

جواد مداحی مشیزی

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۵

چکیده

هدف اصلی مسکن ایجاد محیطی سازگار با روش زندگی انسان است تا نیازهای کمی، کیفی و اجتماعی را تأمین نماید. در عصر جدید و شیوع بی‌هویتی فعلی، کلیه ساخت‌وسازها به سمت یکسان شدن پیش‌رفته است و به علت نادیده انگاشتن کاربران و یا عدم شناخت کافی نسبت به نیازهای آنان، منجر به بروز مشکلاتی چون کاهش رضایت‌مندی، از بین رفتن هویت فرهنگی و مکانی و غیره شده است. درحالی‌که توجه به معماری برخاسته از انسان‌شناسی، باورهای جامعه بومی و بستر شهر که در طی زمان تحت تأثیر عوامل مکانی و فرهنگی شکل و محتوای خاصی یافته است. مقاله حاضر سعی دارد تا با ژرف‌کاوی کیفیت مسکن در خانه‌های سنتی ایران، مولفه‌هایی در جهت تبیین راهکارهای مؤثر برای افزایش کیفیت مسکن معاصر به‌دست آید. این پژوهش به روش کیفی انجام شده و برای ارزیابی نهایی داده‌ها از روش تحلیل سلسله‌مراتبی بهره گرفته شده و با نرم‌افزار اکسپرت‌چویس صورت گرفته و در نهایت اولویت‌بندی مولفه‌های مؤثر در شکل‌گیری فضاهای مسکونی تدوین شده است. نحوه جمع‌آوری اطلاعات برپایه چک لیست‌هایی جهت تکنیک‌های مصاحبه، مشاهده و از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و تحلیل نقشه‌ها بهره گرفته شده است. در ادامه با بررسی عوامل اصلی مدل‌های مختلف، تعداد ۲۲ مولفه مؤثر در شکل‌گیری فضاهای مسکونی خانه‌های معاصر شهر بم بیان گردید. سپس با تحلیل معیارها و اعمال تأثیرات شیوه زندگی، نیازهای انسان و شرایط جامعه معاصر با امتیازدهی مؤلفه‌ها و اولویت‌بندی شاخص‌ها، راهکارهایی برای بهبود جنبه‌های کیفی مسکن معاصر پیشنهاد گردید. براساس نتایج این پژوهش مولفه‌های مؤثر در طراحی فضاهای مسکونی، به شش دسته زیست‌پذیری، معناپذیری، انعطاف‌پذیری، نظارت‌پذیری، رفتارپذیری و بازی‌پذیری طبقه‌بندی شد.

واژگان کلیدی: مسکن، الگوهای طراحی، مردم‌شناختی، مسکن معاصر، بم

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان "تبیین عوامل مردم‌شناختی مؤثر در طراحی فضاهای مسکونی ایران (نمونه موردی: شهرهای جنوبی استان کرمان)"، از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج می‌باشد.

^۲ نویسنده مسئول: mahnaz_mahmoody@yahoo.com

مقدمه

مفهوم زندگی در عملکرد بناها در ایران طی چند دهه گذشته نقش خود را از دست داده است و این در حالی است که ایجاد محیطی مناسب از اهداف اصلی مسکن است تا به بهترین شکل با فرهنگ زندگی ساکنان آن منطبق و هماهنگ باشد. نارضایتی عمیقی از کمیت و کیفیت خانه و واحد مسکونی را در میان ساکنان خانه‌های معاصر به دلیل فراموش شدن پیشینه فرهنگی و شرایط بسیار سخت یافتن خانه مناسب برای سکونت پدید آورده است. بدین صورت پیش‌بینی نکاتی درخصوص پرداختن به علوم میان رشته‌ای علوم اجتماعی (مردم‌شناسی) و مبانی معماری بومی را برای تدوین نظریه‌های طراحی مبتنی بر خلق تعادل میان دیدگاه‌های ساکنان و خلاقیت طراحان الزامی می‌سازد.

مردم‌شناسی: واژه «مردم‌شناسی» در علوم اجتماعی به علم زندگی اجتماعی انسان در مراحل ابتدایی معنا شده است و درصدد شناخت جریان تصورات زیستی و اجتماعی انسان بر می‌آید و شامل دو بخش مردم‌شناسی جسمانی و مردم‌شناسی اجتماعی یا فرهنگی می‌شود. در هر جایی که انسان زندگی می‌کند و یا هر چیزی که می‌سازد، آنجاست که پای مردم‌شناسی و با انسان‌شناسی به وسط می‌آید و شروع به مطالعه در این خصوص می‌کند. معماری یکی از این زمینه‌ها است که مردم‌شناسی به مطالعه و بحث معماری، ساختمان‌ها و بناهایی که وجود دارد می‌پردازد. مسکن انسان‌ها بر اساس نیازهایی که در طول تاریخ داشته‌اند، شکل گرفته که این نیازها به صورت‌های مختلف و به‌خاطر رشد ذهنی و عقلانی و علمی انسان تغییر شکل می‌دهد و تغییر فرهنگی پیدا می‌کند و باتوجه به تغییر نیازها معماری نیز تغییر کرده است. اگر هر منطقه‌ای عمیق بررسی شود با سبک خاصی از معماری متناسب با فرهنگ آن منطقه در ارتباط است و در جایی که بحث از فرهنگ باشد مردم‌شناسی مقدم است. (Saeedi & Amini, 2010)

سکونت و مبانی سکنی‌گزینی: سکونت‌گزینی به‌عنوان یکی از مهمترین پیش‌شرط‌های زندگی در این جهان پهناور تعیین شده است. اگر نگرش جوامع به مفهوم سکونت خارج از قواعد ساختاری خود شکل بگیرد آن‌گاه سکونت در مکان فاقد آسایش‌های روانی و کیفی خود نگاشته می‌شود؛ چنانکه بیان می‌شود: "سکنی‌گزیدن با مفاهیم کیفی آن از شروط مقدماتی انسان بودن است" (Nurberg & Schultz, 2009). سکنی‌گزیدن با گزینش مسکن معادل است؛ از این‌رو نیاز به کلیت ساختار فضاهای قابل سکونت و توجه به خصوصیات فیزیکی محل سکونت، درک مشخصه‌های کیفی و غیرمادی مسکن احساس می‌گردد. برای پرداختن به هر نوع معماری، شناخت بستر و عوامل تأثیرگذار آن مهم می‌باشد. لذا کنکاش در معماری معاصر و یا گذشته، با تحقیق در معماری و درک خصوصیات اجتماعی- فرهنگی بیشتر خودنمایی می‌کند و بدین ترتیب، طراحی فضاهای مسکونی نسبت به دیگر انواع معماری مردمی، ارتباط میان کالبد بنا و شیوه‌های زندگی و خصوصیات اجتماعی- فرهنگی را با جلوه بیشتری به معماری می‌دهد. (Mohammadi & Abdollahi, 2018)

معماری بومی: در اواسط قرن بیستم با نمایان شدن مشکلات و کمبودهای حاصل از تغییراتی که تکنولوژی و دستاوردهای مدرنیته صنعتی ایجاد کرده بود این امر سبب توجه بیشتر به معماری بومی بود. این توجه به تحقیق

معماری بومی که در واکنش به معماری ناآشنای خود ایجاد شده بود؛ طیف وسیعی در زمینه های گوناگون همچون ابعاد و مقیاس انسانی، مواد و مصالح ساختمانی، اقلیم، انرژی و... را شامل می شود (Sadegh Pey, 2012). پیرامون موضوع معماری بومی، تاثیر مباحث فرهنگی معماری در نقش دهی مسئولیت مسکن مهم است که افراد زیادی بدان پرداخته اند. راپورت والیور زمینه های فرهنگی را عامل موثر در شکل گیری معماری بومی می دانند. الیور معماری بومی را در مجموعه تئوری استدلالی معماری به طور کاملاً واضح جای داد، عامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جنبه های تکنولوژی معماری و پایداری آن از جنبه های فرهنگی را در معماری بومی موثر دانسته و با اشاره به رویکرد های ساختار گرایانه، پدیدار شناسانه و به لزوم توجه به رویکرد رفتار گرایانه و الگوهای فرهنگی و آداب و رسوم تاکید کرده و معماران را در کنار ساختار فرمی بناهای بومی، ضبط عینی و برداشت تحلیلی به لزوم توجه به کار میدانی و مشاهدات مردمی و مطالعات فرهنگی سوق می دهد. (Oliver, 2006). پاول با مطالعه ی خانه های جنوب شرقی آسیا، حالت سمیزی در ارتباط با افغانستان، دتل پیرامون کشور ترکیه، ابوترابی در نیجریه، پیرنیا نیز در حوزه معماری بومی ایران و ... لزوم نگاهی به مسکن بومی را تأیید کرده اند. هر چند معماری بومی چیزی نیست که ما نتوانیم امروزه بیافرینیم و چیزی نیست که دیگران بسیار پیش از ما ساخته و دیگر کسی توان آفرینش آن را ندارد (Alpagonolo, et al, 2005).

معماری بومی بر اساس مبانی مردم شناسی: واژه های برای مرتب و خوشه ای کردن روش های ساخت و ساز که از منابع قابل دسترس و سنت های محلی برای پیگیری به نیاز های مردم آن جامعه بهره گرفته می شود. آنچه به معماری بومی لعاب می دهد استفاده از تکنولوژی بومی است (Erfanizadeh et al, 2014). با توجه به تعریفی که پاول الیور از مفهوم معماری بومی دارد "معماری بومی" شیوه ای است که در داخل جوامع ترقی می کند و به مرور زمان، خود را با شرایط اجتماعی و اقلیمی و سازگار می سازد و تکامل می یابد و هر منطقه بیان کننده بخشی از ویژگی های فرهنگ، موقعیت جغرافیایی و اقلیم آن منطقه است (Sharbatian, 2018). معماری بومی از منابع قابل دسترس و همچنین بر طبق سنت و فرهنگ های محلی برای دستیابی به نیاز های ساکنان سرچشمه می گیرد (Flamaki, 2005). معماری بومی با توجه به اینکه دچار تغییرات خواه و ناخواه پدیده های گوناگون بوده است، هویت ویژه خود را حفظ کرده است و معماری بومی از زندگی روزمره آنان الهام می گیرد و به دور از خودنمایی و برون آرایی استقرار می یابد.

تعریف شهر: تعریف شهر از دیدگاه جغرافیدانان، به منظره ای مصنوعی از ساختمان ها و مسیرهای دسترسی و دستگاه ها که زندگی شهری را امکان پذیر می کند و تراکم جمعیت در آن، از حد معینی پایین تر نباشد (Rahmani, 2016).

شهر به عنوان بستر زیست بشر نقش اساسی در احساس رضایتمندی داشته و در واقع شکل دهنده سبک زندگی انسان و تعیین کننده کیفیت زندگی اوست .

تعریف آمایش شهری: بدون شک، آمایش شهری به مدیریت مطلوب فضا و توسعه برابر امکانات و زیرساخت‌های شهری اطلاق می‌شود که بر پایه عدالت در فضا و عدالت اجتماعی شهرها باشد (Karke abadi et al,2018) و برنامه‌ریزی و سازمان‌دادن نحوه اشغال فضا و تعیین محل سکونت انسان‌ها و محل فعالیت‌ها و امکانات و خدمات و همچنین کنش‌های بین عوامل گوناگون نظام اجتماعی - اقتصادی را شامل می‌شود (Sharifzadegan,2010:88)

تعریف برنامه ریزی شهری:

شهرها برخلاف پدیده‌های طبیعی، به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نیاز دارند و نمی‌توان انتظار داشت که مسائل شهری مانند نیاز به مسکن، حمل و نقل عمومی و تأمین ایمنی خودبه‌خود رو به بهبود بگذارند. از دیدگاه برنامه-ریزان شهری، یکی از راهبردهای دستیابی به توسعه پایدار و ارتقای کیفیت محیط زیست شهری، متعادل کردن توزیع فضایی کاربری‌ها از طریق شکل پایدار شهر است (Heydari & Azar,2020: 2)

نقش برنامه ریزی شهری در کیفیت شهرنشینی شهرها:

رشد شتابان شهرنشینی باعث رکود کیفیت محیطی محلات شهری شده است. به گونه‌ای که خانه‌های قدیمی شهر، به سبب مشکلات کارکردی و کالبدی، نیازهای ساکنان خود را تأمین نکردند. با توجه به عدم رویکرد برنامه ریزی در سطح شهری، لزوم برنامه ریزی شهری در مقیاس شهری احساس می‌شود، از این رو، هدف این تحقیق سنجش نقش برنامه ریزی شهری در کنار معیارهای مردم شناختی است.

با این وجود، بهره‌جویی از برنامه‌ریزی شهری به‌مثابه یکی از ابزارهای اجرایی که بخش عمده از اهداف آن ایجاد محیطی مطلوبتر، سهل‌تر و دلچسب برای شهروندان است. از این رو برنامه‌ریزان شهری باید برای تحلیل مسائل و مشکلات شهرنشینی که در رابطه تنگاتنگ با فرهنگ جامعه دارد، برنامه‌ریزی برای ایجاد محیط‌های شهری و شهری زیننده فرهنگ جامعه، نسبت به پیشرفت فرهنگ شهرنشینی معقول در جامعه با اقداماتی درست و اصولی همچون مشارکت شهروندان در امور شهری، ایجاد فضاهای شهری با توجه به فرهنگ جامعه و پیشرفت کیفیت محیط شهری و ایجاد حس مکان، نقشی فعال در ارتقاء فرهنگ شهرنشینی داشته باشند.

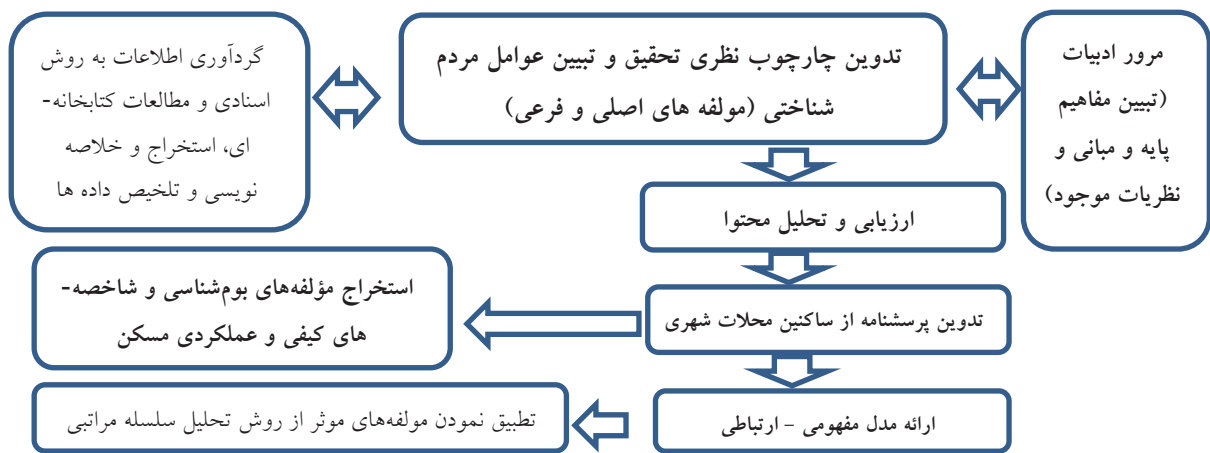
ضرورت ایجاد فضاهای مسکونی بوم‌گرا: وارد شدن تکنولوژی به یک جامعه، مباشرت‌ها را در عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بیان می‌کند که اصلی‌ترین آن آشفتگی هویت است و فرهنگ در مقایسه با مواردی مثل سرزمین، نژاد، قومیت و نظایر آنها، یکی از شاخص‌ترین عناصر هویت‌ساز محسوب می‌گردد. با کم‌رنگ شدن مرزهای فیزیکی و نزدیکی و اجتماعی شدن انسان‌ها، منجر به شکل‌گیری یک هویت جهانی با اشتراکات فرهنگی شده است. هویت فرهنگی را مجموعه‌ای از مشخصه‌های فطری دانست که قومی را از دیگر اقوام متمایز می‌نماید.

با دخالت فناوری‌های جدید به سرزمین‌هایی که هویت و تاریخ غنی آنها در عرصه هنر و معماری در برابر با دستاوردهای تکنولوژیک قرار دارند، چالش‌هایی را رقم می‌زند. چراکه در بیشتر این جوامع همچون ایران پایه و اساس لازم برای مقابله با پیرامون جهانی شدن فراهم نکرده است. خانه‌ها در تمام دوران تاریخ به‌خصوص بعد از

اسلام، اهمیت بسزایی در راستای فرهنگ ایرانیان داشته است (Mirzaei et al, 2020) در قرون حاضر، معماری اجتماعی‌ترین هنری است که با طراحی منسجم مکانی، نوعی تداوم زمانی را جهت آفرینشی نوین‌یاد برای شکوفایی یک تمدن منجر شود. (Asefi & Imani, 2012).

در این راستا مبنای روش انجام این پژوهش از نوع کاربردی - توسعه‌ای و روش تحقیق آن از نوع کیفی و با رویکرد مردم‌نگاری خواهد بود و قلمرو مکانی آن شهر بم کرمان است. همانگونه که بیان شد اصول و بستر تحقیق در زمینه مردم‌شناختی از حیث وجود یک بستر فرهنگی خاص و تلاش برای فهم چگونگی تفسیر مردم از زندگی روزمره، اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. اکتشافی کل‌نگر در مقابل محیط مورد پژوهش، تکیه به اطلاعات‌های سازمان داده نشده، تمرکز بر یک یا تعداد معدودی نمونه موردی و تحلیلی مبتنی بر اهمیت «معانی و عملکردهای اعمال انسان» در زمره ویژگی‌های مردم‌نگاری می‌باشد و مشخصه‌ترین جهت آن تکیه بر «مشاهده مشارکتی» به عنوان اساس گردآوری اطلاعات می‌باشد. پژوهش‌های انسان‌شناسی در یکی از دو جنبه وجود انسان، یعنی در جنبه جسمانی و یا جنبه رفتار جمعی یا فرهنگی، متکی و مبتنی به نظاره مستقیم و ثبت و ضبط واقعیات واضح و اتفاق‌های رفتارهای جمعی است.

در این پژوهش به اقتضای تحقیق کیفی با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بیان پیشنهاد تخصصی پیرامون موضوع مسکن و مردم‌شناسی تعیین می‌گردد عوامل مربوط بر عینیت سبک زندگی و مسائل و مقتضیات جاری زیستی مردم شهر بم مورد بررسی قرار می‌گیرند و پس از انتخاب نمونه‌های موردی، برای تعیین هر مولفه تاثیرگذار در خانه‌های سنتی، مطالعه الگوهای شاخص مسکونی، پرسشنامه‌های عمیق و بیشتر آن باز، مشاهده مشارکتی، مصاحبه در جهت نتیجه‌گیری‌های ضروری استفاده می‌شود. با روش‌های تفسیر اطلاعات‌های مستخرج از پرسشنامه به صورت ساختاری و اکثریت آن نیاز به تفسیر دارند و جهت اطمینان از مداخله تمایلات شخصی از ابزارهای مکمل استفاده شده است. البته نظریه‌ها و مباحث معرفتی، جامعه‌شناختی و یا مصادیق موجود معماری بومی و سنتی درمیانه راه و تحلیل نقشه‌های موجود از بناهای سنتی شهر بم نیز در بررسی‌های کیفی و عملکردی بعنوان پارامترهای یاری‌گر در تکامل روند تحقیق مورد استفاده قرار گرفت، همچنین با توجه به مقایسه نمودن دوره‌های مختلف معماری و تطبیق نمودن مولفه‌های موثر از روش تحلیل سلسله‌مراتبی استفاده شد و به وسیله نرم‌افزار اکسپرت چویس تحلیل آن انجام گرفت. در این پژوهش، روش میانگین حسابی مورد استفاده قرار گرفته که در آن هر ستون نرمالیز (تقسیم هر عدد بر سرجمع آنها) شده و سپس میانگین سطری عناصر محاسبه می‌شوند تا بردار وزن (وزن نهایی) به دست آید.



اهمیت یا برتری نسبی مولفه های موثر با استفاده از مقایسات زوجی کیفی معیین می گردد. از مزایای AHP امکان اختصاص همزمان قضاوت های ذهنی با بهره گیری از معیارهای کمی ملموس و معیارهای کیفی غیرملموس می باشد. شکل ۱- خلاصه ای از روش تحقیق مرتبط با مبانی بوم شناسی فرهنگی (Source: Research Findings, 2020)

پیشینه پژوهش

مهشید کریمی (۱۳۹۶) در مقاله دیگری با عنوان "مسکن خوانش پذیر تبیین عوامل موثر بر خوانش پذیری مسکن" در جهت ارتقای پیوند ساکن و مسکن به بررسی خوانش و قاعده مندی، خوانش پذیری می پردازد و نتایج آن تاثیر این عوامل را بر روی یکدیگر نشان می دهد.

محسن افشاری، شهرام پوردیهیمی (۱۳۹۵) در مقاله دیگری با عنوان "مقیاس های روش زندگی در مسکن" به بررسی این مطلب می پردازد که محیط های مسکونی محصول نظام های فرهنگی انسان هستند که نتایج آن گویای سازماندهی فضایی قرارگاه ها از روش زندگی و فعالیت هایی که در آن انجام می پذیرد نشات می گیرد.

مهران الحسابی و نعیمه کرانی (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان "عوامل تاثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده" به بررسی عوامل شکل دهنده معماری از گذشته تا امروز پرداخته و نتایج این بررسی ها نشان می دهد که بهره گیری از اصول گذشته و بروزرسانی و استفاده از تکنولوژی روز با توجه به نیازهای روز در معماری امروزی لازم و مفید است.

طاهره نصر (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان جایگاه پارادایم «معماری مسکن» در سیمای امروز شهر ایرانی اسلامی آسیب ها و ناتوانی های معماری ایرانی براساس معیارهایی از جمله «جایگاه»، «هویت» و «معنا» در مسکن ایرانی بررسی می شود. نتایج این بررسی ها نشان می دهد که معماری مدرن بر معماری سنتی ایران برای توسعه دوباره الگوی فراموش شده زندگی مردم ایران در ادوار گذشته لازم و ضروری است.

کبری حسن قلی‌نژاد یاسوری و سید مجید مفیدی شمیرانی (۱۳۹۸) مقاله‌ای تحت عنوان «استانداردهای پایداری در شکل‌گیری ساختار و عناصر معماری اقلیم گرم‌وخشک» پرداخته و چنین استنتاج شد که متغیرهای منطقه‌ای، بومی و استانداردهای معماری و شهری در سامانه‌های ارزیابی منتخب اقلیم گرم‌وخشک کاملاً تأثیرگذار بوده و باید شرایط اقلیمی، سایر ضوابط و استانداردهایی که در ایران تدوین و در حال اجرا هستند را ملاک تصمیم‌گیری و عمل قرار داد.

هانیه اخوت و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان بازشناسی مفاهیم معنوی «سکونت» در مسکن سنتی اقلیم کویری براساس روش توصیفی-تحلیلی با انتخاب نمونه‌ی به بررسی مسکن سنتی در اقلیم گرم‌وخشک می‌پردازد. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مسکن سنتی-اسلامی را نمی‌توان تنها به لحاظ کالبدی، هندسی و شکلی توصیف کرد بلکه این معانی الگویی برای احداث مسکن مطلوب معاصر معرفی می‌نمایند.

چارچوب نظری

با توجه به دگرگونی در پی تکمیل این سخن که ما همواره در پی بالاتر بردن کیفیت زندگی خود هستیم. جا دارد به این مسئله نیز اشاره کنیم که ماهیت این مسئله تا حدود زیادی ریشه در فرهنگ نیز دارد. یعنی یکی از اصولی که پیوسته باعث تغییر و تحول در نگرش ما می‌شود، موضوع مقایسه است. این مقایسه بیشتر در سطح و تراز بالاتر از سطح و تراز کیفی زندگی خودمان است و کمتر با هم‌ترازان خود و هرگز با پایینتر از خودمان مقایسه نمی‌کنیم (Ghiaei & Sadat Miri, 2018). معماری بومی در انطباق با شرایط اقلیمی و محیطی بنا شده و از هویت به-خصوصی منطقه برخوردار است و معماری آن در مقیاس خرد و کلان چه از نظر کالبدی و چه از نظر پایداری با توجه به نوع نگرش به انسان، محیط و راهکارهای معماری زیربنای ارزشمندی برای استفاده است. معماری بومی در جواب به‌سازگاری با اقلیم سخت آن منطقه به‌راهکارهای بسیارخوبی رسیده که شناخت آن‌ها نمود رسیدن به الگوهای قابل قبولی در فضاهای معماری جدید می‌باشد. (Aliabadi et al, 2010). دیدگاه بوم‌گرایی در معماری به شناخت فرهنگ بومی و شرایط محیطی نیاز دارد و معماری بومی حاصل فرهنگ و اقلیم و تطبیق آن‌ها است و بومی‌گرایی منجر به شکل‌گیری فرمی از معماری می‌شود که ریشه در ویژگی‌های انسانی فضا و شرایط محیطی آن دارد. معماری بومی نوعی خاص‌گرایی فرهنگی پدید می‌آورد که فارغ از مکان به معنای کالبدی نیز است. (Flamaki, 2012).



شکل ۲- شاخص‌های مهم در طراحی معماری مسکن بومی از دیدگاه صاحب نظران. (Source: Flamaki, 2012)

از طرفی دیگر، شرایط اقلیمی و محیطی، طرح خاصی از کالبد معماری را در مناطق مختلف اقلیمی به وجود می‌آورد که مختص همان مکان می‌باشد. نظر به این‌که سازگاری با مشخصات اقلیمی و محیطی، کارآیی پایه معماری به عنوان سرپناه بوده و هست و فرم معماری همواره در تقابل با محیط شکل خواهد گرفت، هویت‌سازی در معماری بدون نگرش به محیط، معنی نخواهد بود. (تصویر ۱). از دسته موضوعاتی که بیان شد دریافیم که آداب‌ورسوم و فرهنگ، به مقدار زیادی توانایی تأثیرگذاری بر روی معماری و ساختمان‌سازی آن منطقه دارد و ما خانه را تنها یک سرپناه می‌دانیم و تمام خانه‌ها در شهرها و فرهنگ‌ها و نواحی مختلف با فرهنگ‌های متفاوت را با یک نوع پلان و نقشه ترسیم کرده و بنا کنیم کاری اشتباه و نادرست است و به معماری گذشته و اصیل و بومی خود بی‌وفایی کرده و هم آداب‌ورسوم و فرهنگ مردم مرزوبوم آن منطقه را چشم‌پوشی و بی‌توجهی می‌شود. (Haeri Mazandarani, 2009)

مشخصات محدوده مکانی پژوهش

بم یکی از شهرهای مهم تاریخی در استان کرمان و در جنوب شرقی ایران است. شهر بم به لحاظ مساحت دومین شهر بزرگ استان کرمان است و فاصله ۱۹۵ کیلومتری با مرکز استان خود و فاصله تقریبی ۱۲۰۰ کیلومتری پایتخت دارد و همچنین تنها شهر ثبت شده ایران در میراث جهانی یونسکو است و ارگ تاریخی بم این روزها در صدر مراکز گردشگری استان کرمان قرار گرفته و به قلب تپنده جذب مسافر در جنوب شرق تبدیل شده است. ارگ بم بزرگترین بنای خشتی جهان است که از حیث شکوه و زیبایی با دیوار چین قابل قیاس می‌شود و در گذشته لقب پاریس ایران را به شهر بم داده بودند. همچنی این شهر به لحاظ تاریخی و محصولات کشاورزی (به‌ویژه خرما)، معروفیت جهانی دارد. شهر قدیم بم یکی از پنج کوره ایالت فارس بود و به دروازه شرق ایران شهرت داشته‌است. بم در مقطعی از طرف لطفعلی خان پایتخت ایران نیز برای مدتی پایتخت ایران اعلام شد. (<https://ana.press> : Source)

این شهر در ۵۸ درجه و ۲۱ دقیقه درازای خاوری و ۲۹ درجه و ۶ دقیقه پهنا شمالی و در ارتفاع ۱۰۶۰ متری از سطح دریا قرار دارد. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت بم ۱۲۷،۳۹۶ نفر است. بم از شمال و غرب به کرمان، از جنوب غرب به جیرفت، از جنوب شرق به عنبرآباد و از شرق به شهرستان زاهدان محدود می‌شود. به طوری که حدود طبیعی این شهر از طرف شمال به کوه‌های شرقی کرمان و چال تکاب و چاله هامون شور گز و از جبهه

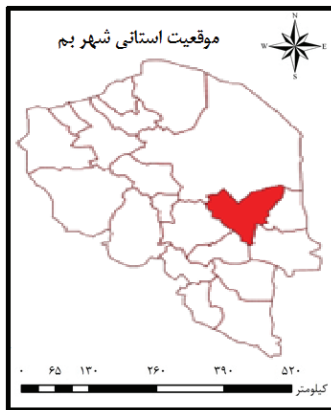
شرق به شنزارهای شورگز و چاله ریگان و از بخش جنوبی آن به خط الرأس کوه‌های شاهسواران و سلسله جبال بارز و کوه‌هزار و از غرب به دشت پایکوبی راین ختم می‌گردد.

شهر بم دارای آب و هوای گرم و خشک است و به دلیل مجاورت با کویر آب و هوای متغیری دارد؛ گاهی اوقات در تابستان‌ها گرم‌ترین و در زمستان‌ها سردترین نقطه کشور گزارش می‌شود. این شهرستان دارای دو اقلیم گرم و نیمه مرطوب در نواحی باختری و گرم و خشک در نواحی خاوری است. هرچند که در مناطق کوهستانی، هوایی سرد و معتدل نیز دارد و در زمستان و پاییز از بیشترین میزان بارندگی این شهرستان برخوردار است.

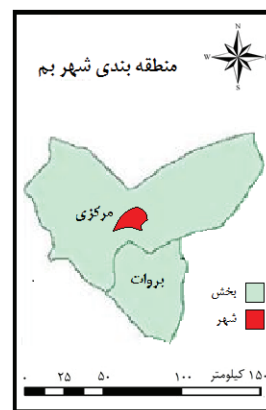
بم در گذشته دور به عنوان مرکز صنعتی کرمان یاد می‌کردند و تجارت آن، پارچه‌های نخی بود که در بم بافته می‌شد و به کشورهایمانند مصر ارسال می‌گردید و این رونق اقتصادی در دوره معاصر نیز ادامه داشته و شهر بم پس از شهر کرمان از حیث تاریخی - فرهنگی و اقتصادی از مهم‌ترین شهرهای استان کرمان به‌شمار می‌آید و از جهت صنعت توریسم در لیست اولین شهرهای ایران می‌باشد که این اصل را مدیون وجود مناطق زیبا و مدرن ارگ جدید پیرامون ارگ تاریخی بم است که باعث شکوفایی این صنعت در بم شده است. از طرفی دیگر اقتصاد مردم شهر بم بر اساس باغداری، کشاورزی، دام‌داری و قالی‌بافی، تشکیل می‌دهند. بر مبنای سند آمایش استانی شهرستان بم به دلیل توانمندی‌هایی از جمله کشاورزی، خدمات گردشگری، صنعت خودروسازی و تأثیری که در کریدور ارتباطی و پس‌کرانه‌های مکران دارد؛ در سطح ملی در موقعیت ویژه‌ای دیده شده است.



شکل ۵- موقعیت بم نسبت به شهر (Source:)



شکل ۴- موقعیت شهر بم نسبت به استان



شکل ۳- موقعیت شهر بم نسبت به کشور،

<https://bam.kr.ir>

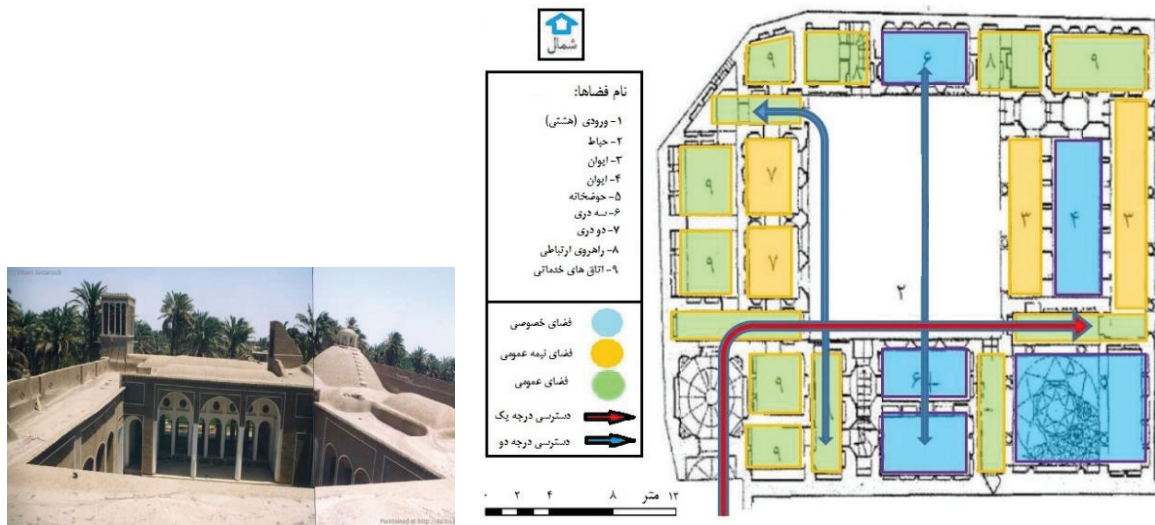
اطلاعات ساکنان نخستین بم به درستی شناخته نیست اما از روی سکونتگاه‌های دسته جمعی به ویژه ایجاد برج و باروهای مستحکم در اطراف آنها، می‌توان حدس زد که این شیوه فرهنگ آریائی باشد (زیرا بومیان ایران چنین استحکاماتی را لازم نمی‌دانستند) و با توجه به سکونت مداوم مردم در ارگ از هزاره‌های گذشته تا ۱۵۰ سال پیش می‌توان حدس زد مردم کنونی بم از نژاد آریایی نسبتاً اصیل باشند و مردم کم کم و با تغییر شکل زندگی و کمبود فضا در ارگ به سمت سکونت در اطراف این ارگ روی آوردند و شهر بم کنونی را در اطراف ارگ قدیم بم شکل دادند. (Iranian Cultural Heritage Organization Documentation Center, 2021). مردم شهر بم با زبان فارسی و

لهجه کرمانی صحبت می‌کنند. در بین عشایر زبان‌های ترکی و بلوچی هم رایج است. شهر بم باتوجه به مشخصه های تاریخی و فرهنگی خاص به‌ویژه در رابطه با فضاهای مسکونی دارای ارزش های ساختاری و کیفی خاص خود بوده و اجرای مولفه های موجود در خانه های سنتی حائز اهمیت می‌باشد.

ویژگی های معماری سنتی شهر بم (خانه عامری ها)

از خصوصیات بناهای تاریخی این شهر می‌توان به ورودی با هشتی و دالان اشاره کرد که ورودی با یک چرخش ۹۰ درجه با حیاط ارتباط دارد و ارتباط آن از کنج است و معمولاً توده‌ها در چهار طرف حیاط قرار گرفته است. در خانه عامری‌ها دو ایوان یکی در ضلع شرقی و دیگری در ضلع غربی و در دو طرف تالار قرار دارد. تالار از دو طرف با ایوان در ارتباط است و حوضخانه نیز در کنج جنوب شرقی قرار دارد و اتاق‌ها در سه ضلع شمال و جنوب و غرب حیاط قرار دارند. بازشوهایی که با حیاط در ارتباطند در هر چهار طرف قرار دارند. بازشوهای غربی به واسطه ایوان در ارتباطند و باغ در قسمت شرقی قرار گرفته و به وسیله ایوان با تالار و خانه ارتباط فضایی دارند.

این خانه یکی از مفصل‌ترین خانه های تاریخی بم است و تنها مقطع موجود از خانه های بم است. ورودی در ارتباط مستقیم با دالانی است که به حیاط منتهی می‌شود. سقف این فضا نسبت به سایر فضاها دارای ارتفاع بیشتری است و به صورت گنبدی است که از داخل دارای کاربندی است. نور این فضا از سقف تأمین می‌شود. حوضخانه این قسمت از سایر فضاها بلندتر و به‌صورت گنبدی است. اتاق‌ها در این خانه، درامتداد یکدیگر قرار گرفته و سقف‌های آنها از روی بام صاف است. این درحالی است که سقف‌ها از داخل به صورتبه صورت گهواره ای است. زیرزمین در زیر اتاق‌های سه دری قرار گرفته است. در فضای زیرزمین می‌توان زندگی نمود و به‌عنوان محلی برای سکونت در تابستان از آن بهره برد. ارتفاع زیرزمین به طور حدودی برابر با ارتفاع دیگر فضاهای سکونت در طبقه همکف می‌باشد. سقف اتاق‌ها گهواره‌ای است و سقف حوضخانه مرتفع‌ترین بخش خانه است. بادگیر در بخش شمال شرقی خانه مکان‌یابی می‌گردد. نمای تالار به شیوه‌ی هفت‌دری می‌باشد و نمای متقارن آن از پشت ستون‌های ایوان نمایان است. در بناهای سنتی شهرهای جنوب کرمان حیاط در گود قرار ندارد و به صورت همسطح باغ یا خیابان می‌باشد و بناها از نظر ارتفاع بالاتر از سطح حیاط بنا می‌شود. ساختار حوض در وسط حیاط جانمایی می‌شود. به منظور افزایش تمرکز بر مقوله‌های مورد نظر و توانایی‌های موجود روش گونه‌شناسی، از ثبت مقوله‌های مرتبط با هر نقشه شامل مقیاس پرهیز شده است. در تصویر ۶ و ۷، پلان و نمای خانه سنتی عامری‌ها را ملاحظه می‌کنید که به‌عنوان یکی از نمونه‌های بناهای سنتی شهر بم معرفی شد.



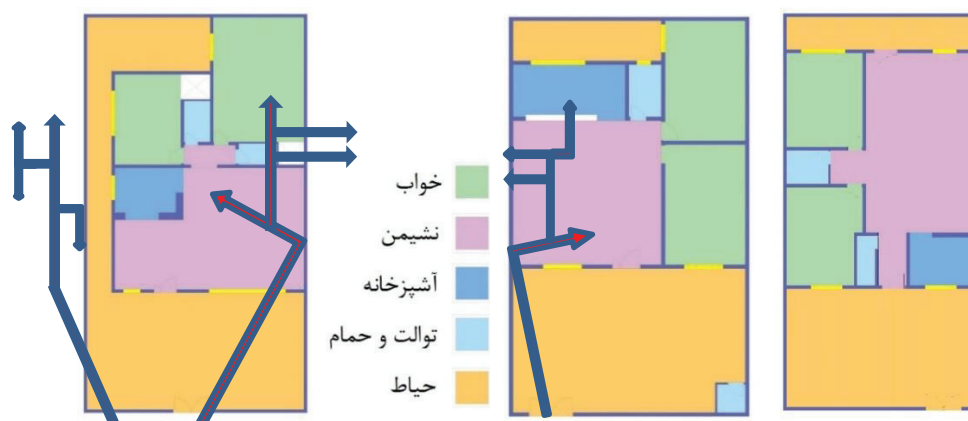
تصاویر ۶ و ۷ - گونه شناسی خانه تاریخی عامری‌ها و نمای خانه عامری‌ها در شهر بم (Source: <https://gov.kr.ir,2020>)

شیوه زندگی و سازمان فضایی در خانه های معاصر:

سال های زیادی از زلزله دی ماه سال ۱۳۸۲ بم می گذرد و بعد از ویرانی زیاد خانه‌ها، مردم شهرهای خود را دوباره بنا کردند و روند معمولی زندگی می شود. هرچند زلزله بم در استان کرمان، به لحاظ تلفات انسانی و تخریب ساختمان‌ها را به همراه داشت که پس از حادثه، بازسازی و به جریان انداختن ویژگی های شهری از وظایف مهم برنامه‌ریزان است که حفظ هویت شهر یکی از اصول مهم در بازسازی است و باید به گونه‌ای بازسازی گردد که تماشاگر شهری را که هویت قبلی خود را نگه داشته باشد را نظاره‌گر باشد و حس سابق آن شهر انتقال گردد. در طی بازسازی بسیاری از جنبه‌های هویتی و نشانه‌های فضاهای مسکونی شهر بم مورد غفلت واقع شده است. شهر بم شاهد سه دسته خانه هایی بود که بعد از زلزله در آن شهر بنا شد که این سه دسته عبارتند از:

- ۱- خانه هایی که توسط دفاتر مهندسی شهرهای مختلف به خصوص تهران طراحی شدند.
- ۲- خانه هایی که توسط معماران بومی بنا طراحی و اجرا شدند.
- ۳- خانه هایی که توسط ساکنین شهر ساخته شدند.

در ساخت خانه های سه دسته فوق یک امر مشترک مشاهده می گردد که آن هم فقدان فرهنگ قدیمی که در بخش های قبلی در مورد بناهای سنتی حاکم بود و خانه های معاصر بر پایه فرهنگ نوپایی طراحی شدند که قبلاً در این شهر موجود نبود. با نگاهی به طراحی های اخیر و ساخت و سازهای انجام شده در بم باعث شده که بنیان خانه از فرهنگ و اصل خود فاصله بگیرد و جدا شود و برخلاف زمان‌های کهن که فضاهای خانه از شیوه زندگی و فرهنگ ساکنین تأثیر می گرفته است؛ ولی در ساختمان‌های جدید از فضاهایی برخوردار هستند که شیوه زندگی را بر مردم تحمیل می کنند و این فقدان شخصیتی در قالب خانه در طول زمان تأثیرات مخربی بر الگوی زندگی ساکنان وارد می کند که پرداختن به چگونگی آن به تحقیقات بیشتری نیاز می باشد و در این بخش، فقط به بیان کلی الگوی غالب این خانه‌ها خواهیم پرداخت. در تصویر ۶ الی ۹ نمونه پلان‌های معمول از خانه‌های معاصر شهر بم را ملاحظه می کنید.



تصاویر ۶ الی ۹- نمونه پلان‌های معمول در خانه‌های معاصر شهر بم - معرفی فضاها (Source: Research Findings, 2020)

در مجموع، فضاهای مسکونی در شهر بم از بافت پراکنده‌ای برخوردارند و از ویژگی‌های بافت پراکنده می‌توان به آزاد بودن محل قرارگیری بنا در داخل حیاط می‌باشد. به گونه‌ای که با پژوهش انجام شده مشخص شد که بیشتر بناها در قسمت شمالی سایت جانمایی شده و حیاط در بخش جنوبی واقع شده است. (Rostami et al, 2019). در رابطه با چگونگی اشتغال زمین در شهرهای موردی این موضوع است که نحوه قرارگیری ساختمان‌ها نسبت به حریم زمین است که از فرهنگ بومی نشأت گرفته باشد. در این شیوه تلاش شده تا فاصله ساختمان‌ها و محدوده زمین حفظ گردد تا با ساختمان‌های مجاور ارتباط مستقیمی برقرار نگردد. نحوه تیپ بندی پلان‌های مسکونی تنها بر پایه تفاوت‌های موجود در سازمان فضایی داخل واحد مسکونی می‌باشد و نمونه‌های متعددی نیز مشاهده می‌گردد به گونه‌ای که امکان دسته‌بندی آنها برپایه عوامل مختلف (جهت‌گیری جغرافیایی، نور، باد، جنس مصالح و ... موجود نیست).

خانه‌های مسکونی جدید و معاصر از لحاظ تقسیمات داخلی پلان به سه گونه کلی تقسیم می‌گردد:

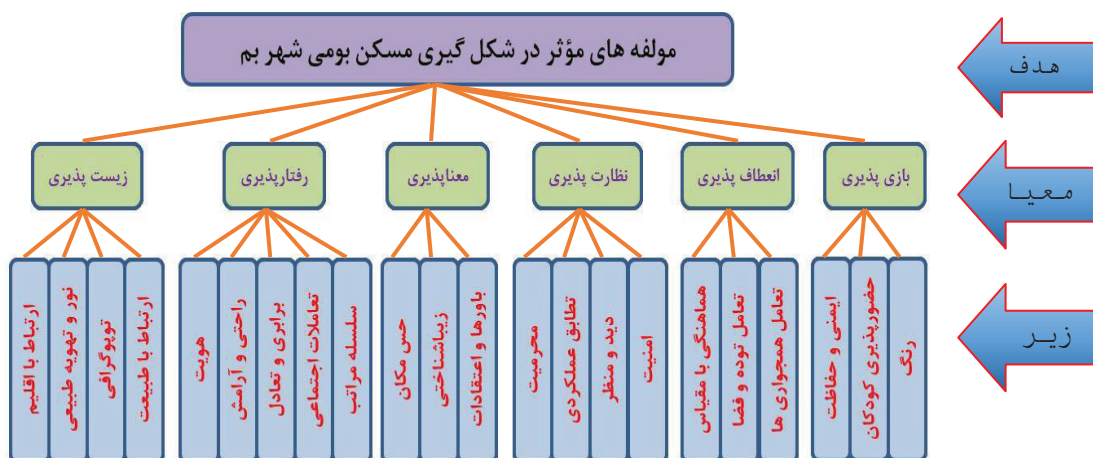
- خانه‌هایی با پلان جدید شهری و هال مرکزی: در این مورد شامل خانه‌هایی که پلانی همچون خانه‌های شهری را دارند و ارتباط اتاق‌ها توسط یک هال مرکزی تأمین می‌گردد و اکثریت خانه‌های شهری را شامل می‌شود و در نمونه‌ها ایوان حذف گردیده و در صورتی که ایوان داشته باشد به صورت زائده‌ای به ساختمان متصل شده دیده می‌شود.

- خانه‌های با پلان شهری L شکل: در طراحی این خانه‌ها به تقسیم فضاهای خصوصی و عمومی به صورت L شکل در دو طرف هال جانمایی شده‌اند و فضای تقسیم در گوشه‌ای از ساختمان انتقال یافته است.

- خانه‌های با پلان شهری U شکل: در طراحی این گونه پلان خانه‌ها جانمایی فضاهای خصوصی و عمومی به حالت U شکل انجام گرفته و در سه ناحیه هال، فضاهای عمومی و خصوصی جانمایی شده‌اند.

در مجموع می توان این گونه برداشت کرد که فضاهای تشکیل دهنده بناها عبارتند از اتاق های خواب، نشیمن، ورودی، آشپزخانه، هال، پذیرایی، سرویس بهداشتی، نهارخوری، انباری و راهرو که نحوه توزیع آنها در بیشتر مواقع به شرح زیر است:

- اتاق های خواب راهپله و سرویس بهداشتی در جبهه شمالی ساختمان جانمایی می شود.
 - پذیرایی، فضای ورودی و همچنین در بعضی مواقع اتاق های خواب نیز در جبهه جنوبی ساختمان جانمایی می گردد.
 - فضای آشپزخانه و نشیمن در بخش شرقی ساختمان مکان یابی می شود.
 - در بیشترین حالت میزان مساحت اشغال شده در ساختمان مربوط به اتاق های خواب می باشد.
 - معمولاً خانه ها پیرامون هال مرکزی، فضاهای داخلی جانمایی و شکل گرفته اند.
 - از طریق هال مرکزی و راهرو ها ارتباط فضاهای داخلی برقرار می گردد.
 - در بیشتر مواقع بین فضای پذیرایی و نشیمن و یا بین فضای نهارخوری و پذیرایی تفکیکی مشاهده نمی گردد و می توان آنها را با یکدیگر تلفیق می کنند و به فضایی چند منظوره از آن فضا استفاده می کنند.
 - در بیشتر خانه ها فضای پذیرایی، آشپزخانه و خواب با فضای بیرون ارتباط مستقیمی دارند.
 - فضاهای تشکیل دهنده واحد مسکونی شامل سه بخش خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی تشکیل شده اند. که فضاهای نشیمن و پذیرایی جزء فضاهای عمومی و فضاهای خصوصی شامل اتاق های خواب، آشپزخانه و سرویس بهداشتی می باشد و انباری، راهرو، هال و ورودی نیز جزء فضاهای نیمه خصوصی هستند. بالاترین درصد سطح اشغال مربوط به فضاهای خصوصی است که معمولاً در شمال بنا جانمایی می گردند.
- در تحقیق حاضر، هدف مولفه های موثر در شکل گیری مسکن بومی شهر بم می باشد و معیارها به گونه ای تدوین شده اند که در راستای پاسخگویی به نیازهای گوناگون، سلیقه های متنوع مردم و ضرورت های بازسازی به حفظ هویت معماری مسکن با مفهوم ایرانی آن پاسخ دهد. هرچند برای هویت بخشی به مکان های زیستی انسان چارچوب های فکری زیادی مطرح است ولی مراجعه به نظرات مردم نیز کارآمد است.
- شش معیار تحت عناوین «بازی پذیری»، «انعطاف پذیری»، «نظارت پذیری»، «معناپذیری»، «رفتارپذیری» و «زیست پذیری» می باشد که مولفه های فوق شامل ۲۲ زیرمعیار می باشد که عبارتند از «ارتباط با اقلیم»، «نور و تهویه طبیعی»، «توپوگرافی»، «ارتباط با طبیعت»، «هویت»، «راحتی و آسایش»، «برابری و تعادل»، «تعاملات اجتماعی»، «سلسله مراتب»، «حس مکان»، «زیباشناختی»، «باورها و اعتقادات»، «محرمیت»، «تطابق عملکردی»، «دید و منظر»، «امنیت»، «هماهنگی با مقیاس»، «تعامل توده و فضا»، «تعامل همجواری ها»، «ایمنی و حفاظت»، «حضورپذیری کودکان»، «اثر رنگ»، می باشد که در شکل شماره ۱۰ ساختار درختی سلسله مراتبی معیارهای موثر در شکل گیری مسکن بومی در شهر بم را نشان داده شده است که اولین گام در فرآیند تحلیل سلسله مراتبی است.



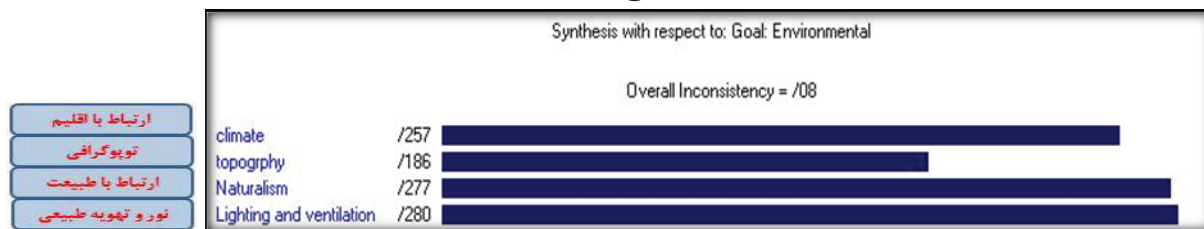
شکل ۱۰ - ساختار سلسله مراتبی معیارها و زیرمعیارهای مولفه‌های مؤثر در طراحی فضاهای مسکونی در شهر بم (Source: Research Findings, 2020)

مولفه‌های تأثیرپذیر زیست‌پذیری بر فضای مسکونی:

معیارهای زیست‌پذیری به درجه‌تأمین ملزومات یک جامعه بر مبنای نیازها و ظرفیت‌های افراد آن جامعه اشاره دارد. اطلاع از عوامل آسایش زیست‌محیطی در منطقه‌های گوناگون جغرافیایی، به مراحل توسعه و برنامه‌ریزی منطقه کمک می‌نماید. رفاه و سلامت انسان در محیط‌های طبیعی، با وضعیت اقلیمی رابطه مستقیمی دارد. در دوره‌های آتی مطالعات و کنکاش‌های بیوکلیمای انسانی به عنوان پایه و اساس برنامه‌ریزی‌های شهری، عمرانی می‌باشد. از عوامل تأثیرگذار بر زندگی، راحتی و سلامتی انسان، شرایط اقلیمی و جوی است و بررسی تأثیر وضعیت اقلیمی بر روی زندگی، رفاه، اعمال و رفتار انسان به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های علمی با مشخصه زیست‌اقلیم انسانی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد (Haeri Mazandarani, 2009). انسان بخصوص در سده اخیر به مطالعات راحتی گرمایی توجه ویژه‌ای دارد و منجر به معرفی انواع شیوه‌ها و تکنیک‌های مطالعه وضعیت زیست‌اقلیم انسانی در محیط مسکونی و غیر مسکونی شده است. بنابراین تفسیر شرایط اقلیمی هر موقعیت جغرافیایی، نقطه شروع آماده‌سازی زیربنای ساختمان و بیان مفهوم طراحی شهری با هدف شرایط آسایش حداکثری و به حداقل رساندن استفاده از انرژی برای تأمین سرمایش و گرمایش است. ابعاد و شاخص‌های مورد نیاز این پژوهش نیز بر اساس ادبیات جهانی حاکم بر زیست‌محیطی انتخاب شده است و معیار زیست‌پذیری بر اساس چهار زیرمعیار تجزیه‌گرددیده که شامل «ارتباط با اقلیم»، «توپوگرافی» و «ارتباط با طبیعت» و «نور و تهویه طبیعی» می‌باشد.

۱- **ارتباط با طبیعت:** ارتباط انسان با طبیعت در معماری ناظر بر طراحی معماری در تعامل با طبیعت است. طبیعت یعنی آسایش و آرامش. در صورتی که ساختمان رفتاری همچون طبیعت داشته باشد آنگاه می‌توان گفت که تعامل معماری با طبیعت تأمین شده است. در طول تاریخ، برای انسان سنتی چه غربی و یا شرقی و یا هر دین و آئینی، طبیعت جنبه‌ای از تقدس داشت. ابنیه به شیوه‌ای طراحی شوند که نیاز به تنظیم‌کننده‌های مصنوعی شرایط محیطی به کمترین میزان کاهش یابد. (Naghizadeh, 2015).

- ۲- **ارتباط با اقلیم:** با نگاهی به ساختمان سنتی شهر بم می‌توان اهداف ساختن مسکن های سنتی را در بهره‌گیری مناسب از تابش آفتاب و استفاده بهینه از وزش باد بوده تا علاوه بر بهینه نمودن شرایط محیطی، موضوع عوامل اقلیمی هم پاسخگوی مقابله، محافظت یا هماهنگی باشد که در دوره معاصر نمود کمتری پیدا کرده است.
- ۳- **توپوگرافی:** یکی از عال مهم در تحلیل مکان سکونت است. توپوگرافی به شیب زمین و تراز آن اشاره دارد و شیب محل، دسترسی به نور آفتاب و چشم اندازها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به نقشه های توپوگرافی شهر بم از شیب و پستی و بلندی قابل توجه ای برخوردار نمی‌باشد.
- ۴- **استفاده از نور و تهویه طبیعی:** مهم‌ترین عامل ناراحتی انسان در شهر بم گرمای بسیار زیاد و کم بودن ظرفیت تبخیر هوا می‌باشد بنابراین با راه حل های ایجاد سایه و استفاده از جریان هوا به عنوان دو عامل مهم شکل دهنده در بافت شهری و کالبد ساختمان این مشکلات مرتفع خواهند شد.



نمودار ۱- میزان تأثیرگذاری مولفه های زیست پذیری و ارزش گذاری آن توسط نرم افزار اکسپرت چویس در شهر بم

(Source: Research Findings,2020)

همانگونه که در نمودار (۱) ملاحظه می‌گردد، اهمیت استفاده از نور و تهویه طبیعی در اولویت اول این مولفه توسط ساکنین شهر بم با درجه اهمیت ۰/۲۸۰ انتخاب شده و زیرمعیارهای "ارتباط با طبیعت" و "ارتباط با اقلیم" با اختلاف کم با درجه اهمیت ۰/۲۷۷ و ۰/۲۵۷ در اولویت دوم و سوم قرار گرفته اند. در نهایت مولفه چهارم که تأثیر کمتری در طراحی فضاهای مسکونی این شهر را دارد، زیرمعیار "توپوگرافی" با درجه اهمیت ۰/۱۸۶ می‌باشد.

با مشاهدات عینی از خانه های مسکونی شهر بم نظاره گر اهمیت بهره‌گیری از نور و تهویه طبیعی برای فضاهای داخلی خانه به‌خصوص نشیمن، اتاق خواب‌ها و همچنین آشپزخانه بودیم و با توجه به اینکه انسان از جنبه‌های مادی و معنوی متفاوتی به طبیعت و عناصر طبیعی و برخوردار از تماس نزدیک و مداوم با آن‌ها نیازمند است در طراحی فضاهای مسکونی نسبت به ارتباط و تعامل با طبیعت بهره گرفته شده است. در خصوص زیر معیار «توپوگرافی» برای ما مشخص شد که با توجه به شیب بسیار کم بستر شهر بم، ویژگی‌های زمین کمترین تأثیرگذاری را در نحوه طراحی فضاهای مسکونی این شهرها داشته است. و کمترین اهمیت رابه این زیر معیار بیان داشتند. یکی از مقاصد انسان از ساختن سرپناه در امان بودن از آسیب های طبیعی محیط بوده و بر این اساس، فراهم آوردن شرایط آسایش اقلیمی را همواره مد نظر داشته و آسایش اقلیمی را یکی از مولفه های مهم محیط مسکونی قلمداد می‌کنند. بهره‌گیری مناسب از تابش آفتاب و استفاده بهینه از وزش باد از شروط تامین آسایش است.

مولفه‌های تأثیرپذیر انعطاف‌پذیری بر فضای مسکونی

مولفه انعطاف‌پذیری به معنی قدرت و توانایی فضا در پذیرفتن عملکردها و سامان دادن فعالیت‌های گوناگون یکی از مولفه‌های موثر در کیفیت فضا از دیدگاه بنتلی و همکارانش است. از طرفی دیگر برایان گودی نیز بر تأثیر مثبت این عامل بر کیفیت فضایی تأکید می‌کند. (Golkar, 2000).

هدف از انعطاف‌پذیری در معماری پدید آمدن راهی برای مقابله با تضاد موجود میان انتظارات از معماری است. تلفیق انعطاف‌پذیری با طراحی به معماران اجازه می‌دهد تا آرزو و خیال برنامه ریزی آتی بر ساختمان را در آینده‌ای فراتر از دوره مسئولیت حقیقتشان بپرورانند. معیار انعطاف‌پذیری بر اساس سه زیر معیار تجزیه گردیده که شامل «هماهنگی با مقیاس انسانی»، «تعامل توده و فضا» و «تعامل همجواری‌ها» می‌باشد:

- ۱- **تعامل همجواری:** در درون خانه‌های سستی شهر بم، اهمیت ویژه‌ای در جهت عدم اشرافیت همسایگان به یکدیگر شده است و وجود فضایی باز به نام حیاط خصوصی و علم تفکیک نمودن فضای بیرونی از حیاط و بسط دادن هر چه بیشتر بین فضاهای عملکردی، بهره‌گیری متناوب از ایوان‌ها علی‌الخصوص ایوان شمالی شاخص‌های فرهنگی شهر بم به‌عنوان لازمه زندگی جمعی و شهری هستند. برخی از این فعالیت‌ها مزاحمت‌هایی با یکدیگر دارند که این مزاحمت‌ها ممکن است دائمی باشد یا اینکه بسته به زمان و مکان از شدت و ضعف متفاوتی برخوردار باشد. (Golkar, 2000).
- ۲- **هماهنگی با مقیاس انسانی:** تناسب و هماهنگی ابعاد ابنیه یکی از مفاهیم اصلی و پایه‌ای معماری است که به رابطه اجزاء با کلیت یک فضا می‌پردازد. مقیاس انسانی یک حس انتزاعی است، هر چند در زندگی طول و عرض و ابعاد فضا را کمتر می‌گیریم ولی آنها را با یکدیگر و با مقیاس خود می‌سنجیم. مقیاس انسانی موردنظر در معماری مسکن را در مقولاتی همچون تناسب ابعاد فضاها در میزان پاسخگویی مسکن به ارزش‌های فرهنگی ساکنین آن می‌توان جستجو نمود.
- ۳- **تعامل توده و فضا:** بعد ظاهری بناها لازم است به‌عنوان یکی از کیفیت‌های مهم در طراحی مورد سنجش قرار گیرد. فرم شامل نحوه ترکیب احجام، نظام پر و خالی، کیفیت‌های بصری ساختمان‌ها و مقیاس مناسب آنها است



نمودار ۲- میزان تأثیرگذاری مولفه‌های انعطاف‌پذیری و ارزش‌گذاری آن توسط نرم افزار اکسپرت چویس در شهر بم

(Source: Research Findings, 2020)

طبق نظرسنجی‌های انجام شده از ساکنین شهر بم بر اساس نمودار شماره (۲) به نتایج زیر منتج گردید که میانگین بیشترین اهمیت در بین زیرمعیارهای انعطاف‌پذیری در شهر بم به زیرمعیار «هماهنگی با مقیاس انسانی» با درجه

وزنی ۰/۳۲۶ اختصاص دارد، اهمیت مقیاس و تأثیر این زیرمعیار بر تناسب فضایی و عملکردی آن در بین ساکنین شهر بم مشخص می باشد و هر فضایی را متناسب با میزان استفاده و نوع عملکرد آن از نظر فضایی تأمین شده است. زیرمعیار «تعامل همجواری‌ها» با وزن ۰/۳۲۸ و زیرمعیار «تعامل توده و فضا» وزنی معادل ۰/۳۰۷ در اولویت های دوم و سوم قرار دارند. دو زیر معیار دیگر از نظر اهمیت با هم ارتباط نزدیکی دارند و درجه اهمیت آنها بیانگر این ماجرا می باشد. ولی در هر صورت زیر معیار «تعامل توده و فضا» اولویت دوم را به خود اختصاص داده و این همبستگی را بین فضاهاى خالی و پر را به شیوه مطلوب درخواست نموده اند و ساکنین شهر بم بر اهمیت تعامل مطلوب بین توده و فضا تأکید کردند و در نهایت زیرمعیار «تعامل همجواری‌ها» نیز از دلایل و لزوم اهمیت همجواری ها و نزدیکی به فضاهاى با کاربری‌های مختلف همچون آموزشی و فرهنگی را به عنوان ارزش مکانی خانه خود نسبت به سایر مکان‌های دیگر بیان کردند و در این بین با توجه به نتایج بدست آمده از شهر بم حاکی از آن است که زیرمعیار «تعامل همجواری‌ها» از اهمیت بیشتری نسبت به زیر معیار «تعامل توده و فضا» دارا است.

مولفه‌های تأثیرپذیر رفتار پذیری بر فضای مسکونی

این معیار بیانگر نقش فردی در تصمیم‌گیری‌های تأثیرگذار در روند ساخت‌وساز مسکن می باشد و دیدگاه فردی را نسبت به چهره و شخصیت ساختمان را جلوه می‌کند و این معیار با پنج زیرمعیار قابل توجه خواهد بود که شامل «تعاملات اجتماعی»، «سلسله مراتب»، «راحتی و آرامش»، «برابری و تعادل» و «هویت» از موارد این معیار می‌باشد.

۱- **هویت:** هویت به مثابه استقلال و خودباوری شکوه یک جامعه است و نمی‌توان به جامعه ای القا و تقدیم کرد، در این رابطه می‌توان معرف معیارهایی همچون هویت معنوی و جمعی، بوم آوری و هویت ملی، فرم و شکل و کاربری مناسب باشد. شهرهای تاریخی ایران دارای هویت در زمینه های مختلف معماری و شهرسازی بود و در آن سوی دیگر متخصصان عموماً بافت ها و شهرهای جدید را بی هویت می نامند. جلوه های مشخص هویت شهرهای تاریخی ایران را در وجوه مختلف آن ها از جمله هویت کالبدی، هویت طبیعی، هویت عملکردی، هویت فرهنگی، هویت محیطی، هویت دینی و انسانی، هویت تاریخی، و هویت ملی و اجتماعی آن ها می‌توان تلقی کرد (Naghizadeh, 2015).

۲- **راحتی و آرامش:** آسایش و راحتی تمامی اعضای خانواده از بنیادی‌ترین عوامل در طراحی مسکن به‌شمار می‌آید و کیفیت نسبی آن لحاظ می‌گردد. انسان نیازمند آرامش است، حال این آرامش با مطالعه و کسب علم و دانش، عبادت، تفکر، و بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی، گفتگوهای خانوادگی، استراحت یا غیره حاصل گردد.

۳- **سلسله مراتب:** سلسله مراتب در ارتباط با حوزه های محیط زندگی را شامل بخش عمومی و خصوصی بیان می‌شود و مشخصه‌های با بهره‌گیری از اصل سلسله مراتب در دو درجه بیرونی و درونی نقش دارد. سلسله مراتب بیرونی به پیوستگی داخل خانه با سایر فضاها و کاربری های بیرون آن و سلسله مراتب درونی بر تبیین پیوند عناصر داخل خانه با هم می‌پردازد. رابطه اجزای درونی مسکن با فضاهاى خارج از خود الزاماً باید هم

شامل ناحیه‌های معینی باشد و هم این که حریم و فضاهای بسط دهنده این ناحیه‌ها باید معلوم باشند. Jalalian (et al,2015)

۴- **تعاملات اجتماعی:** فضاهای مسکونی جلوه‌گاه رویش فعالیت‌های عملکردی و زندگی روزمره مردم در شهر است. حضور ساکنین در محله زمانی خودنمایی می‌کند که عرصه خصوصی خود را با عرصه‌های عمومی محله درآمیزند. اولین قدم برای دستیابی به عرصه عمومی که متضمن اهداف جامعه مدنی است. فضاهای عمومی زمینه ایفای کارکردهای اجتماعی بوده و اکثریت تعاملات اجتماعی در آن نقش می‌بندد. (Daliri & Pakshir, 2013). در صورتی که فضاهای جمعی محله مسکونی از مطلوبیت قابل قبولی برخوردار باشند، فضایی را برای آرامش و آسایش شهروندان فراهم می‌کند.

۵- **برابری و تعادل:** برابری و تعادل از شاخصه‌های هویت دهنده به مسکن است و در مسکن سنتی برابری و تعادل به مفهوم قرار دادن هر فضا در جای خود است و فضاهای زندگی به تناسب زندگی که در آن جریان دارد در اطراف حیاط قرار می‌گیرند و نحوه قرارگیری افراد خانواده در اتاق‌ها و فضاهای خانه نیز بر اساس تعادل صورت می‌گیرد.



نمودار ۳- میزان تأثیرگذاری مولفه‌های رفتارپذیری و ارزش‌گذاری آن توسط نرم افزار اکسپرت چویس در شهر بم

(Source: Research Findings,2020)

طبق پاسخ‌های ساکنین شهرهای موردی نتایجی را طبق نمودار (۳) به دست آمد که بیانگر اهمیت زیرمعیار «راحتی و آرامش» با درجه وزنی ۰/۲۶۰ به عنوان میانگین بیشترین درجه اهمیت در بین ساکنین می‌باشد و اولویت‌های بعدی مربوط به زیرمعیار «تعاملات اجتماعی» با درجه وزنی ۰/۲۱۸، زیر معیار «هویت» با درجه اهمیت وزنی ۰/۲۰۴، زیرمعیار «سلسله مراتب» با درجه وزنی ۰/۱۷۳ و در نهایت کمترین درجه اهمیت مربوط به «برابری و تعادل» با درجه وزنی ۰/۱۴۵ می‌باشد تا نماینگر تأثیر هر کدام از زیرمعیارها را در شهر بم را به نمایش بگذارد.

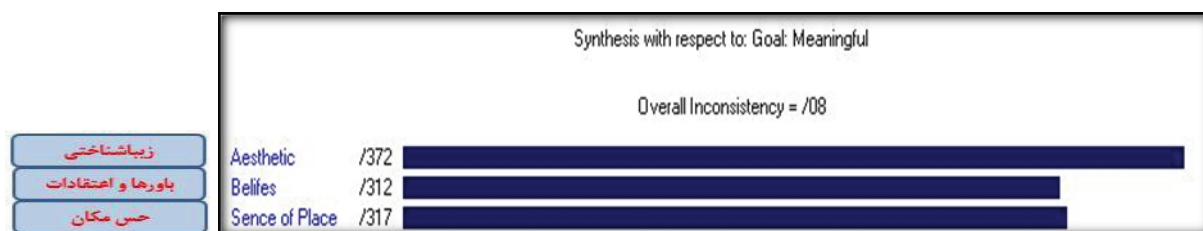
طبق پاسخ‌های دریافتی از سوال شونده‌گان مشاهده می‌شود، وظیفه اصلی خانه که ایجاد آرامش برای ساکنین خانه می‌باشد خوشبختانه در ذات باطنی کاشانه شهر بم گم نشده است و همچنان در خانه‌های معاصر این شهر نیز این آرامش درونی خانه درخواست و طلب می‌گردد. زیرمعیار بعدی که ساکنین انتخاب نموده‌اند مربوط به زیرمعیار «تعاملات اجتماعی» است که ارتباط خویشاوندی و همسایگی را مهم بیان کردند و نزدیکی به افراد خانواده پدری خود را به عنوان دلایل انتخاب مکانی سخن گفتند. زیر معیار بعدی هویت و به نوعی می‌توان گفت اعتبار ذاتی و نهفته ساختمان می‌باشد. مسکن انسان به نوعی با هویت او مرتبط است. در این وادی آنچه مهم است تقویت هویت

انسانی و فرهنگی و معنوی انسان و گرایش او به سمت همراهی با جامعه و احساس وحدت با جمع می باشد و زیر معیار های بعدی را مدنظر خود برای طراحی می دانستند. زیر معیار بعدی «سلسله مراتب» می باشد که ارتباط قلمروهای محیط زندگی را از عمومی تا خصوصی تعریف و تعیین می کند و روی ارتباط عناصر داخل مسکن با یکدیگر متمرکز است و این اهمیت در خانه های بم به چشم می خورد. زیرمعیار بعدی «برابری و تعادل» می باشد که تعادل در نیازهای فردی انسان اعم از مادی، روانی و معنوی را در بخش مسکن مورد تأکید دارد و شهر بم کمترین توجه را به برابری فضاهای عمومی و خصوصی داشته است.

مولفه های تأثیرپذیر معناپذیری بر فضای مسکونی

معیار معناپذیری به دریافت های ادراکی و شناختی افراد از محیط می پردازد و شامل زیرمعیارهای «زیباشناختی»، «حس مکان» و «باورها و اعتقادات» می باشد:

- ۱- **حس مکان:** حس مکان عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می گردد. این حس می تواند در مکان زندگی فرد به وجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش یابد. اما تعلق مکانی در سطح بالاتری از حس مکان قرار می گیرد. تعلق به مکان که بر پایه حس مکان به وجود می آید و این حس به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزیی از مکان می داند و مکان برای او قابل احترام می شود.
- ۲- **زیباشناختی:** مفهوم زیبایی بیشتر جنبه روانشناسانه به خود می گیرد. زیبایی در ارتباط با ادراک دیده می شود و بیننده جزئی از این مجموعه به حساب می آید. عوامل روانی و اجتماعی بر ادراک ما اثرات مهمی را به جا می گذارد و معمار قصد دارد چیزی زیبا بیافریند تا از نظر زیباشناختی جوابگوی احتیاجات ما باشد. بهره گیری از ترسیمات هندسی در هنر و معماری ایران تاریخچه ای طولانی دارد. تأکید معماری ایرانی بر زیبایی متمرکز بوده و دانش هندسه ابزار پرتوانی است که معماری ایرانی را قادر به محاسبه و اندازه گیری تناسبات فضایی و خلق توازن، نظم و زیبایی در زمین ایفا می کرد که خانه عامری ها و خانه وکیل باشی از جمله بناهای شهر بم هستند که نظم و هماهنگی و رعایت تناسبات در آن خودنمایی می کند. (Sarmast, 2010)
- ۳- **باورها و اعتقادات:** مردم ایران بعد از قبول دین مبین اسلام، اصول و مبانی آن را در زندگی و سنت های خود تطبیق داده اند. به گونه ای که هیچ گاه داشته های خود را از حیث رسوم، آئین و شیوه زندگی به طور کامل جدا نشده اند، بلکه با محوریت اصول دین اسلام، آن ها را تطبیق و یا تغییر داده اند. می توان گفت که بیشترین تاثیرگذاری در شکل گیری ساختار فضایی معماری سنتی ایران اسلامی را شریعت اسلامی و اصول حاکم بر الگوهای رفتاری آن داشته است. (Aliabadi et al, 2010).

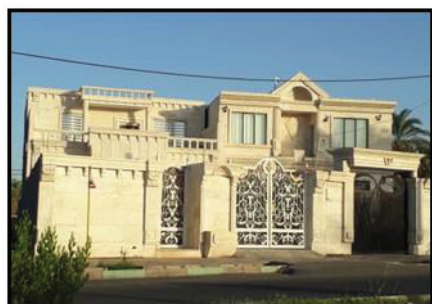


نمودار ۴- میزان تأثیرگذاری مولفه های معناپذیری و ارزش گذاری آن توسط نرم افزار اکسپرت چویس در شهر بم

(Source: Research Findings,2020)

بر اساس نتایجی که از پرسشنامه حاصل شد و در نمودار شماره (۴) نمایش داده شده است، می توان نتیجه گرفت که زیرمعیارهای «زیباشناختی» با درجه اهمیت وزنی ۰/۳۷۲ در شهر بم از اهمیت بیشتری نسبت به سایر زیرمعیارها داشته است و باتوجه به نتیجه کلی امتیازها، زیرمعیار «حس مکان» توانسته است با درجه وزنی معادل ۰/۳۱۷ درجه اهمیت دوم را کسب نماید و زیرمعیار «باورها و اعتقادات» با اختلاف ناچیزی نسبت به زیرمعیار دوم با درجه وزنی معادل ۰/۳۱۲ اولویت سوم را کسب نموده است.

حس زیباشناختی یکی از چالش‌هایی است که در معماری معاصر بسیار از آن سخن به میان می رود و معماران این سرزمین را درگیر این مسئله نموده است و با موضوع معماری بومی و هویت ایرانی در ارتباط است و توانسته اند که به بهترین شکل ممکن فضای کالبدی متناسب با نیازهای زندگی مردم دوران خود را ایجاد نمایند و شهر بم بهترین نقش را در این زمینه ایفا کرده است. زیر معیار بعدی «حس مکان» می باشد که ساکنین این شهرها تعلق خاطر نسبت به مسکنی ایفا کنند که علاوه بر برطرف کردن نیازهای پایه ای انسان که محدود به نیازهای فیزیکی و فیزیولوژی اوسته پاسخگوی نیازهای روحی و روانی نیز باشد. در نهایت زیر معیار «باورها و اعتقادات» که باورهای جامعه بومی و بستر شهر که در طی زمان تحت تاثیر عوامل مکانی و فرهنگی شکل و محتوای خاصی یافته است، میتواند سبب افزایش رضایتمندی، تعلق به فضا و به طور کلی برآوردن نیازهای واقعی ساکنین شود. این شهر نسبت به زیرمعیارهای دیگر در این گروه اهمیت کمتری را در قبال باورها و اعتقادات خود ایفا می کند.



اشکال ۱۱ و ۱۲- فرم، تزئینات نمونه خانه های معاصر (Source: Research Findings, 2020)

مولفه های تأثیرپذیر نظارت پذیری بر فضای مسکونی

این معیار عمومی بر کنش های پاتولوژیک منجر شده و به روان سازی تعاملات چهره به چهره بین افراد کمک خواهد کرد که به نوبه خود می تواند به شکل گیری شناخت و اعتماد متقابل ساکنان و در نتیجه شبکه های اجتماعی (سرمایه

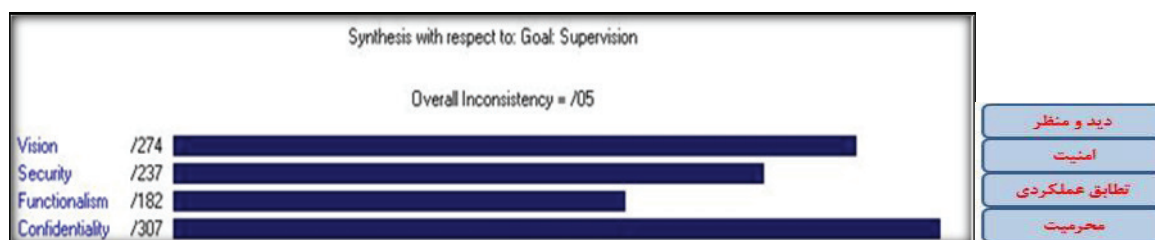
اجتماعی) منجر شود و چگونگی استقرار مجتمع های همجوار، میزان اشراف یا دید واحدهای مجاور به یکدیگر، دوری و نزدیکی به خیابان اصلی و قرار گرفتن در مکانهای پرت و... از موارد قابل ذکر در این معیار می باشد و این معیار با ۴ زیرمعیار خلاصه و قابل توجیه خواهد بود که عبارتند از "دیدومنظر"، "امنیت"، "تطابق عملکردی" و "محرمیت" می باشد که در ادامه با تفسیر زیرمعیارهای فوق پرداخته می شود.

۱- **امنیت:** احساس امنیت از نیازهای روحی انسان و از تأثیرگذارترین مولفه های کیفیت فضا به شمار می رود و رضایتمندی را به ارمغان می آورد و فراهم آوردن درجات مختلف امنیت را برای ساکنین از وظایف مسکن می باشد. به ویژه در جامعه اسلامی، امنیت روانی و امنیت فرهنگی و اخلاقی از مشخص ترین وجوه امنیت انسان هستند. (Naghizadeh, 2015)

۲- **دید و منظر:** چگونگی رابطه بصری انسان و محیط از جمله شرایطی است که درکنار سایر شرایط درازبایی کیفیت محیط حائز اهمیت است. به این ترتیب دیدومنظر به عنوان مجموعه ای از عناصر طبیعی و مصنوعی مقوله ای است که در ارتقاء کیفیت و مطلوبیت زندگی ساکنین نقش عمده ای ایفا می کند. باتوجه به تأثیرات روحی و ادراکی منظر شهری بر انسان، آنچه که از پس پنجره های خانه به چشم می آید نقش مهمی در آرامش و خرسندی ساکنان خانه دارد (Kamelnia & Mahdavi Nejad, 2016)

۳- **محرمیت:** حریم خصوصی یک ارزش کلیدی و اخلاقی که پایه و اساس آن توجه به شأن و منزلت انسانی است. در خانه های سنتی برای حفظ حریم خصوصی از طرحواره های تداخل عملکردی در یک فضای واحد و مستقل کردن کاربری ها است. سردرهای ورودی شهرهای کویری از جمله کوچه باغ های بم از دو بعد می توان به آن پرداخت که افراد خانواده را از دید اشخاص نامحرم مصون دارد و هم ارتباط صحیح فضاهای داخلی به شیوه مناسب تفکیک شود. مصون بودن فضای داخلی خانه از دید بیگانگان موردی است که آسایش خانواده سخت به آن وابسته است.

۴- **تطابق عملکردی:** یک فضا در معماری وقتی زیباست که صفت های ویژه فضا با عملکردهای فضا هماهنگی داشته باشد (هماهنگی فرم و عملکرد) و این اصلی است که در بررسی معماری سنتی و قدیمی کاملاً مشهود است. معنی هماهنگی و همخوانی فرم و عملکرد در معماری، منطبق بر برداشت فلسفی از هماهنگی در عمل شناخت می باشد.



نمودار ۵- میزان تأثیرگذاری مولفه‌های نظارت‌پذیری و ارزش‌گذاری آن توسط نرم افزار اکسپرت چویس در شهر بم

(Source: Research Findings, 2020)

طبق پاسخ‌های ساکنین شهرهای موردی نتایجی را طبق نمودار (۵) به دست آمد که بیانگر اهمیت زیرمعیار «محرمیت» با درجه وزنی ۰/۳۰۷ به عنوان میانگین بیشترین درجه اهمیت در بین ساکنین می‌باشد و اولویت‌های بعدی مربوط به زیرمعیار «دید و منظر» با درجه وزنی ۰/۲۷۴، زیر معیار «امنیت» با درجه اهمیت وزنی ۰/۲۳۷ و در نهایت کمترین درجه اهمیت مربوط به «تطابق عملکردی» با درجه وزنی ۰/۱۸۲ می‌باشد تا نماینگر تأثیر هر کدام از زیرمعیارها را در شهر بم را به نمایش بگذارد.

همانگونه که در نمودار فوق مشخص است، اهمیت دادن به موضوع محرمیت و تأثیر این زیرمعیار بر نقش اصلی در آسایش خانواده خودنمایی می‌کند و محرمیت، مصون بودن فضای داخلی خانه از دید بیگانگان موردی است که در طراحی فضاهای بومی در شهر بم این مسئله بیشتر نمود پیدا کرده است و زیرمعیار بعدی «دید و منظر» می‌باشد که به عنوان مجموعه‌ای از عناصر طبیعی و مصنوعی مقوله‌ای است که در ارتقاء کیفیت و مطلوبیت زندگی ساکنین نقش عمده ای ایفا می‌کند. باتوجه به تأثیرات روحی و ادراکی منظر شهری بر انسان، آنچه که از پس پنجره‌های خانه به چشم می‌آید نقش مهمی در آرامش و خرسندی ساکنان خانه دارد. زیر معیار بعدی مربوط به «امنیت» می‌باشد که این امنیت شامل امنیت در مقابل بلایا و سوانح طبیعی و غیر طبیعی، امنیت در برابر تجاوز سایر آحاد جامعه و امنیت در برابر اثرات ناشی از فعالیت‌های انسانی می‌باشد و تمامی شهرها نسبت به اهمیت این موضوع نظری واحد دارند. زیر معیار بعدی «تطابق عملکردی» می‌باشد که با شدت استفاده از فضا و حجم تراکم در ارتباط است و شهر بم به این ترکیب فضایی پاسخ خوبی داده نشده است.

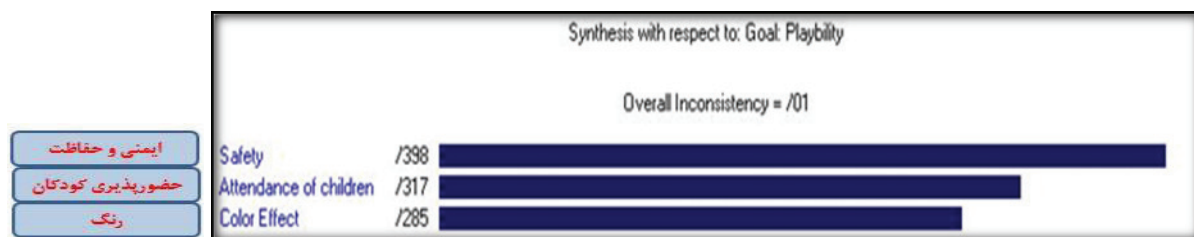
مولفه‌های تأثیرپذیر بازی پذیری بر فضای مسکونی

معیار بازی‌پذیری به اهمیت کودکان و رشد و تعالی نقش کودکان در آینده جامعه می‌پردازد و طراحی فضا جوابگوی قشر کودکان قابل قیاس با گذشته نمی‌باشد و بیشترین آسیب فضایی در همین رده سنی دیده می‌شود. این معیار با ۳ زیرمعیار بیان خواهد شد که شامل "ایمنی و حفاظت"، "حضورپذیری کودکان" و "رنگ" می‌باشد که در ادامه تشریح می‌گردد:

۱- **ایمنی و حفاظت:** بسیاری از ساختمان‌های امروزی که در آن سکونت داریم فاقد ایمنی و امنیت کافی هستند؛ با این وجود بسیاری از مردم به طور مداوم حس ناامنی را در خانه تجربه می‌کنند. ایمنی ساختمان همیشه مهم-ترین قسمت ساخت و ساز بوده که تأمین جان اعضای خانواده را تأمین نماید. ک هبا رعایت استاندارد های موجود می‌توان به میزان ایمنی قابل قبولی دست یافت. (Salehi, 2009).

۲- حضورپذیری کودکان: کودکان به عنوان اعضای از خانواده‌ها به طور ناخودآگاه بیشترین حس شادکامی را در محیط‌های بازی دارند و طراحی فضایی که بتواند تمامی فاکتورهای موردنیاز کودکان همچون امنیت، سلامت و محیط را فراهم کند و هدف محیط‌های نگهداری از کودکان، تأمین محیطی است که به گستره کاملی از رشد بچه‌های نرمال منتهی شود.

۳- رنگ: رنگ و نور عناصری هستند که از قدیم نقش مهمی در معماری سنتی ادا کرده‌اند. در معماری ایرانی مطالعه رنگ بر حجم و ساختار همواره به عنوان قسمت اصلی مراحل گوناگون بنا و فهم آن در نظر گرفته شده است ولی دوره اخیر در بم شاهد فاصله گرفتن رنگ‌ها و مصالح متنوع از قالب‌های سابق و برجسته شدن آن‌ها در برابر مناظر طبیعی و کالبد تاریخی هستیم. رنگ یک زبان جهانی است و فرهنگ‌ها را شکل می‌دهد. احساسات درونی را تحریک می‌کند و پیش‌زمینه جهان ما را می‌سازد. صحبت در مورد رنگ‌ها موجب می‌شود که خصوصیات درونی و ویژگی‌های شخصیتی فضاها را مسکونی دارای موسیقی خاصی باشد و منظور از معماری، بکار بستن ماهرانه عناصر مرتبط با یکدیگر از قبیل رنگ به عنوان افزودنی در طراحی معماری، شکل یا فرم، سازه، نور، بافت در فضا است که با تأسف باید گفت رنگ تنها عنصری است که به آن توجه در خور و لازم نمی‌شود. رنگ اکثراً موجب حال و هوای مورد نیاز روح و روان و احساس در یک فضا می‌شود. برای اینکه رنگ مهمترین و قوی ترین افزودنی در جا افتادگی شخصیت یک فضاست. به خوبی سزاوار است که با تلقی درستی از رنگ آن را به هدفی بسیار نزدیک به روند معماری بدانیم.



نمودار ۶- میزان تأثیرگذاری مولفه‌های بازی‌پذیری و ارزش‌گذاری آن توسط نرم افزار اکسپرت چویس در شهر بم

(Source: Research Findings, 2020)

طبق پاسخ‌های ساکنین شهر بم نتایج را طبق نمودار (۶) به دست آمد، بیانگر اهمیت زیرمعیار «ایمنی و حفاظت» با درجه وزنی ۰/۳۹۸ به عنوان میانگین بیشترین درجه اهمیت در بین ساکنین می‌باشد و اولویت‌های بعدی مربوط به زیرمعیار «حضورپذیری کودکان» با درجه وزنی ۰/۳۱۷ و در نهایت کمترین درجه اهمیت مربوط به «رنگ» با درجه وزنی ۰/۲۸۵ می‌باشد تا تأثیر هر کدام از زیرمعیارها را در شهر بم مشخص شود.



اشکال ۱۳ و ۱۴- نمای حیاط یک نمونه از خانه های معاصر در بم - بازی پذیری محیط ها برای کودکان

(Source: Research Findings,2020)

با توجه به نتایج دریافتی از پاسخ های ساکنین اینگونه برداشت شد که پس از نیازهای فیزیولوژیک، نیازهای ایمنی مثل محافظت کردن از آسیب و مراقبت از حریم خود و خانواده، نیازهای تعلق و احساسی و به نوعی پدافند غیرعامل در برابر حوادث طبیعی و غیرعمدی بوده و از طرف دیگر بواسطه مواجهه با بیگانگان نیز نوعی حریم خصوصی برای خود قائل می‌گردد که برای تأمین زیرمعیار «ایمنی و حفاظت» در تمامی شهرها با اختلاف کمی با هم دارای ارزش یکسانی هستند و نکات ایمنی در خانه های خود را پوشش دادند. زیر معیار بعدی «حضورپذیری کودکان» می باشد تا ضرورت کانونی برای پرورش فرزندان و تربیت فرهنگی و گاه آموزش شغلی کودکان در خانه فراهم آید و نبود این زیرساخت، زمینه‌ساز مشکلات و مصیبت‌های دیگری در زمینه رشد و پرورش کودکان نیز می‌شود. کودکانی که در این محیطها پرورش می‌یابند با معضلات روانی و اجتماعی فراوانی مواجه هستند. علت را می‌توان در برطرف نکردن نیازهای حرکتی و جنب‌وجوش آنها در محیط خانه دانست که خود زمینه ساز فرار کودکان از محیط خانه و پناه بردن به محیط‌های خیابانی می‌شود. عدم توانایی کودک در برقراری ارتباط در محیط به‌علت زندگی در آپارتمان زمینه‌ساز اختلالات عصبی، بیخوابی و کاستی‌هایی در مهارت‌های اجتماعی می‌شود و رعایت این نکته در طراحی فضاهای مسکونی ضروری شمرده شده است و در نهایت زیرمعیار بعدی که از اهمیت کمتری برشمرده شده است زیرمعیار «رنگ» می‌باشد که فضاها در بیشتر خانه‌ها سیاه و سفید و بدون هیچ کنتراستی و هیجانی نمایش داده شده اند و بواسطه همین فضایی بی روح و عاری از هر جنب و جوشی که تشنه جرحه ای رنگ است خواهیم داشت. رنگ‌بندی اتاق‌ها و استفاده از مصالحی که بتواند خصوصیات رنگی و بافت مورد نظر ما را برآورده سازد، بسیار مهم و درعین حال قدرت اعمال نفوذ بر تغییرات کالبدی فضا را نیز داراست، کارهایی که برای تعدیل و تقسیم بندی دیواره های رنگی انجام می‌گیرند می‌تواند به‌عنوان ایده‌ای برای تعیین کالبد فیزیکی فضا نیز عمل کند و جنبه‌های کاربردی طراحی را با معیارهای زیبا شناختی همراه سازیم. در عین حال شهر بم کمترین اهمیت را به این موضوع داده و در طراحی های نمای ساختمان و فضاهای داخلی اعمال نکرده‌اند.

یافته های استنباطی

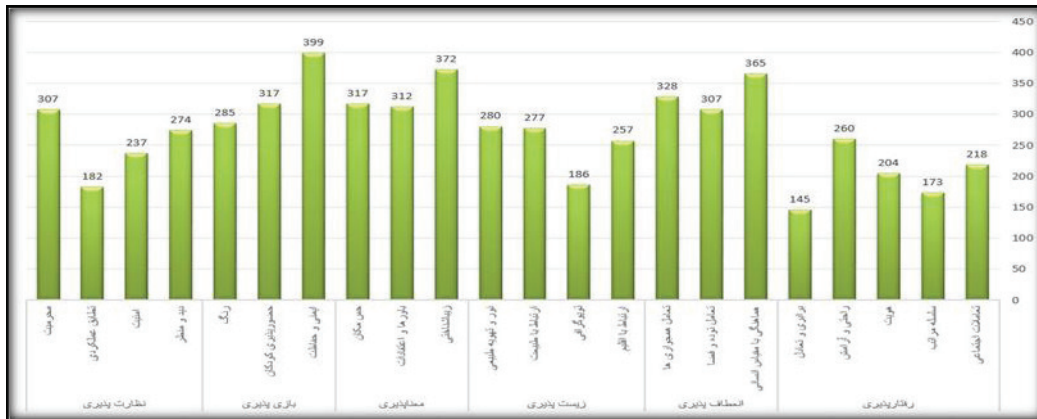
براساس ویژگی های معماری این پژوهش، مولفه های مؤثر در طراحی فضاهای مسکونی را به شش معیار تحت عناوین «بازی پذیری»، «انعطاف پذیری»، «نظارت پذیری»، «معناپذیری»، «رفتارپذیری» و «زیست پذیری» دسته بندی شد و در دسته بندی فوق ۲۲ زیرمعیار استخراج شدند و برای اطلاع از ضریب اهمیت مولفه ها از مقایسه دوجه دو زیرمعیارها با یکدیگر کمک گرفته شد و با توجه به تعداد زیاد پرسشنامه ها از ماتریس مقایسات زوجی مولفه ها بهره گرفته شد و در محاسبه امتیازدهی نهایی از وزن کلی هر مولفه دخالت داده شد و در ادامه با وارد کردن داده امتیازها به نرم افزار اکسپرت چویس به درجه اهمیت مولفه های تأثیرگذار هر زیرمعیار مشخص می گردد. نرخ سازگاری مقایسات زوجی تمامی دسته ها در نرم افزار طبق جدول شماره (۱) کمتر از مقدار ۰/۱ می باشد که نتیجه محاسبات را تأیید می کند.

جدول ۱- نرخ ناسازگاری قضاوت زیرمعیارهای مؤثر در طراحی فضاهای مسکونی - نگارنده (Source: Research Findings, 2020)

نرخ ناسازگاری	زیست پذیری	نظارت پذیری	رفتارپذیری	معناپذیری	انعطاف پذیری	بازی پذیری
نرخ ناسازگاری شهر بم	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۰۱

(Source: Research Findings, 2020)

نتیجه محاسبات استخراج شده طبق نمودار شماره (۷) حاکی از آن است که "محرمیت" در اولویت اول اهمیت دسته "نظارت پذیری" انتخاب گردید و به ترتیب، "دید و منظر"، "امنیت" و "تطابق عملکردی" از درجه اهمیت کمتری برخوردار هستند. در دسته "معناپذیری" نیز زیرمعیار "زیباشناختی" به عنوان تأثیرگذارترین زیرمعیار و "حس مکان" و "باورها و اعتقادات" در رده های بعدی اهمیت قرار گرفتند. با توجه به نتایج بدست آمده از دسته "زیست پذیری" به ترتیب اهمیت، "تعبیه نور و تهویه طبیعی"، "ارتباط با طبیعت"، "ارتباط با اقلیم" و "توپوگرافی" از زیرمعیارهای تأثیرگذار در طراحی عنوان شد. در دسته "انعطاف پذیری" نیز زیرمعیار "هماهنگی با مقیاس انسانی" به عنوان تأثیرگذارترین زیرمعیار و "تعامل همجواری ها" و "تعامل توده و فضا" در رده های بعدی اهمیت قرار گرفتند. نتایج در دسته "رفتارپذیری" نیز به این ترتیب بدست آمد که زیرمعیار "راحتی و آسایش" بیشترین اهمیت را در بین سایر زیرمعیارهای مولفه "انعطاف پذیری" دارد و به ترتیب زیرمعیارهای "تعاملات اجتماعی"، "هویت"، "سلسله مراتب" و "برابری و تعادل" در درجه های بعدی اهمیت عنوان شده اند و در نهایت در دسته "بازی پذیری" نیز زیرمعیار "ایمنی و حفاظت" به عنوان اولویت اول و "حضورپذیری کودکان" و "رنگ" از اولویت های بعدی تأثیرگذار در طراحی فضاهای مسکونی شهر بم معرفی گردیدند.



نمودار ۷- درجه اهمیت وزن تمام زیرمعیاریهای موثر در طراحی فضاهای مسکونی شهر بم

(Source: Research Findings, 2020)

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی و پژوهشی

هرچند که پیشرفت کیفیت زندگی در ملاک‌های فردی و اجتماعی از روزگارهای قدیم مورد بررسی و کارشناسی قرار گرفته است و در این پژوهش با توجه به مبانی معماری بومی شهر بم که با طبیعت خود منطقه سازگار است و تجربیات تاریخی آن توسط مردمان آن منطقه و با تکیه بر امکانات طبیعی در طول دوران با آزمون و خطای تاریخی حاصل گردیده است ولی پس از چند دهه با گنج‌آیدن منطق زندگی در عملکرد و کاستن معانی عملکرد، به یکی از ضروریات بیولوژیک مانند خواب و خوراک تغییر کرده است؛ و در نتیجه مفهوم مسکن در این فرآیند وظیفه خود را از یاد برده است. این درحالی است که ایجاد محیطی که به‌بهترین فرم با فرهنگ زندگی یک ملت هماهنگ و موافق باشد؛ از اهداف اصلی مسکن می‌باشد. در دوره‌ی معاصر با برتری اهداف اجتماعی و مدون ساختن آنها در قالب برنامه‌های توسعه، شاهد نگرش انسانی و جامعه‌شناختی در ارتباط با کیفیت زندگی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست-گذاری‌های کلان کشورهای پیشرفته هستیم ولی با نادیده گرفتن پیشینه فرهنگی خانه‌ها و وضعیت بسیار دشوار یافتن خانه مطلوب برای سکونت، در شرایطی که قیمت گزافی برای خانه و واحد مسکونی پرداخته می‌شود، این امر به نحو احسن تعقق نمی‌یابد و تقویت هویت انسانی و فرهنگی و معنوی انسان و گرایش او به سمت همراهی با جامعه و احساس وحدت با جمع احساس می‌گردد.

واضح است که در اقلیم گرم و خشک، دارای معماری بومی خاص خود با توجه به شناخت مبانی آن و بررسی ساخت‌وسازها در آن می‌باشد. غلبه بخش فنی اجرایی خانه‌های شهر بم بر بقیه وجوه آن، به بی‌توجهی به مفهوم ارزش‌ها و چگونگی سکونت منتهی شده است. طبق نتایج بدست آمده از تحقیق حاضر، شرایطی که به طراحی و ساخت خانه‌ها و واحدهای مسکونی منجر شده، انعطاف‌پذیری کافی را در مقابل شیوه زندگی از دست داده و معماران و سازندگان، به افزایش قابلیت فضاها در اثر انعطاف‌پذیری سازمان فضایی و امکان بسط و تلفیق فضاها نپرداختند و تنوع فضایی در خانه‌های معاصر محدود است و ساکنان نسبت به آن بی‌تفاوت‌اند. هرچند کاستن فضاهای باز به‌ویژه حیاط و محدود شدن چشم‌انداز و یکنواخت بودن فضاها به طور محسوسی از کیفیت حضور در خانه کاسته است و مشخص شد که یک فضای خصوصی و مناسب و ایجاد احساس وابستگی در داخل نظام فضایی برای ساکنان،

می‌تواند در افزایش مطلوب بودن خانه نقش تأثیرگذاری را ایفا کند. مردم شهر بم با توجه به اصول دینی و فرهنگی که دارند، توجه بسیار زیادی را برای رعایت محرمیت و هویت فطری شهر می‌نمایند، از طرفی دیگر معیارهای بعد عملکردی و آسایش فضا و همچنین بعد زیباشناختی مکان نیز در اولویت‌های مهم طراحی به شمار می‌آید.

بدون تردید بازتاب معماری پایدار در امتداد طراحی تحت تأثیر ایدئولوژی حاکم بر مردم شهر بم برای حل نیازهای ساکنان خود شکل می‌گیرد. ولی نحوه پاسخ‌گویی و تعبیر معماری بومی متفاوت بوده و این انعکاس‌ها در جوامع و فرهنگ‌های این شهرها می‌تواند به صورت منحصر به فردی شکل بگیرد. آن‌چیز که در شناخت گونه‌های مسکن مهم پذیرش و تفسیر می‌شود، راهکار عرضه شده برای حل مسئله سکونت‌گزینی است. این موضوع، تمامی جنبه‌های کالبدی و غیرکالبدی مؤثر بر زیست انسان را شامل می‌شود و آنچه اصالت دارد، راه‌حلی است که انسان برای آن برگزیده و تصحیح نموده است. این تفکر نیز به گونه‌ای ریشه در ناخودآگاه جمعی انسانی دارد و راه‌حل‌ها به تدریج تبدیل به یک اندیشه ضمنی و یا کهن الگوهایی می‌شود که تا عمق ناخودآگاه جوامع رخنه می‌کند و معمار مسئول است، عوامل مؤثر بر فضاهای مسکونی را محترم بدارد. اگرچه نگرش معمارانه به معنای الگو تا حدی بستر فرایندی و تاریخی نیز فراهم می‌کند. با تعیین و توصیف آگاهی معماری گذشته و مبانی نظری عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی می‌توان مسیر بازگرداندن یک دلیل قوی برای زندگی ساکنین آن خانه‌ها رقم بخورد و طرح‌های نوظهور باید توانمندی دگرگون کردن پلان‌های هرخانه به منظور منطبق ساختن آن‌ها با سبک زندگی کسانی که می‌بایست در این خانه‌ها زندگی کنند را داشته باشد. سازمان فضایی پیشنهاد خاصی برای حرکت در داخل خانه ارائه نمی‌کند و درک قلمرو و ورود به یک فضای خصوصی متمایز از فضای عمومی وجود ندارد. از قلم انداختن این رابطه و نادیده گرفته شدن آن در سازمان فضایی، نادیده گرفتن ارکان تشکیل‌دهنده شیوه زندگی است.

شیوه زندگی ساکنین و همچنین شیوه بهره‌گیری آنها از محل سکونتشان و کسب و درک تأثیر سبک زندگی و نحوه شهرنشینی بر سازمان فضایی خانه، تأثیر مهمی بر روی فرم ساختمان می‌گذارد و تعداد اعضای خانواده که از این محیط استفاده می‌کنند، نحوه غذا درست کردن و غذا خوردن آنها، نحوه ارتباط برقرار کردن آنها با همدیگر و همچنین دیگر ملاحظات فرهنگی در حد خود و طرح اصلی خانه‌ها تأثیر زیادی گذاشته است. به همین جهت، به منظور توانمندسازی خصوصیات کالبدی و غیرکالبدی مسکن در ارتباط با شیوه زندگی و استفاده از تمامی عوامل درونی و بیرونی به طرح‌های پویا و قابل اصلاح می‌انجامد و انتظار می‌رود که خانه‌های معاصر متأثر از گونه‌شناسی شیوه‌های معماری امکان فراهم آوردن آرامش واقعی را برای انسان معاصر برآورده کند.

با نگاهی به خانه‌های معاصر می‌توان تأثیرات فرهنگ را بر روی نمای ساختمان‌های بومی شهر بم نظاره‌گر بود و ساکنین این خانه‌ها بر پایه اعتقادات و سنت‌های محلی خود نسبت به رنگ‌آمیزی ساختمان‌ها اقدام می‌کنند. روش‌هایی که هماهنگ با آداب و رسوم ساکنانشان مدنظر قرار دادند، می‌توان از خصوصیات ساختاری ساده و در صورت لزوم ساختاری که برای نقل و انتقال مساعد باشد، نام برد و تفاوت‌ها در خانه‌های این شهر بیشتر در مقایسه با بناهای پیرامون آن از حیث مصالح، ارتفاع، رنگ، فرم و برخی از علائم ویژه بوده است. برای حل موضوع

تأمین شرایط محیطی از طریق تجهیزات مورد نیاز گرمایشی و یا سرمایشی علی‌رغم تمایزهای آب‌وهوایی شهر مورد بررسی که غالباً، خانه‌های معاصر از کولر آبی، پنکه و در بعضی مواقع از کولر گازی برای خنک شدن بهره می‌گیرند و کمتر این سهم برعهده نظام فضایی خانه قرار دارد. در تحقیقات میدانی که عناصر تأسیساتی برودت‌زا به‌صورت الحاقی بر سقف، کف و بدنه‌های داخلی و خارجی چسبانیده شده و نبود تجلی معمارانه می‌باشند و شایسته است که معماری بومی شهر بم، به‌عنوان گونه‌ای از معماری که در پیوند با بستر و زمینه فرهنگی و طبیعی انسان شکل گرفته و به سنن زیست انسانی، تنوع فرهنگی و به تاریخ و جغرافیای خود احترام می‌گذارد، چون دفتری از آموزه‌های ماندگار مورد استفاده معماران قرار گیرد. تا آن‌چه که طراحی می‌کنند و می‌سازند؛ استمرار از معماری گذشته ایران بوده و هویت ایرانی را در خود داشته باشد و می‌تواند تأمین‌کننده بخشی از نیازمندی‌های فضایی ساکنین باشد، تا حدودی به‌دلیل اینکه فضاهای خصوصی باید امکانات کامل را برای زندگی یک فرد مهیا کند و جلوه زیبایی را به سیمای شهر دهد و از فضای سبز نیز بی‌نصیب نباشد و فرم و فضای همجواری خانه‌ها نیز، نقشی در پایداری ارتباط همسایه‌ها با یکدیگر ایفا کنند.

پی نوشت:

1- فرآیند واکاوی سلسله مراتبی یکی از روش‌های تصمیم‌گیری است. واژه AHP مخفف عبارت Analytical Hierarchy process به معنی فرآیند واکاوی سلسله مراتبی است.

References

- Ali Mohammadi, Gholamreza, Abdollahi, Roxana, (2018), explaining the principles of culture in the native architecture of Iran and its relationship with creating a sense of belonging to the place. *Urban and Rural Management*, 17 (50): 46-33
- Aliabadi, Mohammad and Hashemi Toghraljerd, Majid, (2010), Visual privacy in Iranian and Islamic culture and its effect on house construction in Kerman, citing applied ethics in Iran and Islam. By: Ahmad Faramarz Gharamaleki. Tehran, Research Institute for Cultural and Social Studies: pp. 41-72
- Alpagonolo, Adriano, (2005), *Indigenous Architecture*, translated by Ali Mohammad Sadat Afsari, Fada Publications, p. 42
- Asefi, Maziar and Elnaz Imani, (2012), Challenges of new technologies in architecture and its interaction with the values of Islamic architecture in Iran, *Bagh Nazar Magazine*, No. 21 (9): 34-21.
- Christian Nurberg, Schultz, (2009). *The Spirit of Place, Towards Architectural Phenomenology*, translated by Mohammad Reza Shirazi, Rokhdad-e No Publications, Tehran.
- Daliri, Vajih, Pakshir, Abdolreza, (2013), Evaluation and analysis of the impact of physical indicators on the security of urban neighborhoods (case study of Sarshur and Razi neighborhoods of Mashhad), National Conference on Sustainable Architecture and Urban Development, Buchan, Sazeh Kavir Company.
- Erfanizadeh, Masoumeh, Nasr, Tahereh, Erfanizadeh, Zahra, (2014), A Study of Factors Affecting the Physical Identity of Bayram, Second International Congress, Architecture and Urban Development.
- Flamaki, Mohammad Mansour, 2005, *Privacy on Iran's Cultural Heritage*, Fada Publications,
- Flamaki, Mohammad Mansour, 2012, *Principles and Reading of Iranian Architecture*, Fada Publications,
- Ghiaei, Mohammad Mehdi, Sadat Miri, Farzaneh, 2018, *Principles of architectural design of nursing homes, first and last publications*. First Edition.

- Golkar, Kourosh, (2000), Sustainable Urban Design in Desert Cities, Fine Arts. 8 (0)
- Haeri Mazandarani, Mohammad Reza, (2009), House, Culture, Nature, Study of the architecture of historical and contemporary houses in order to develop the process and criteria of house design, Tehran, Urban Planning and Architecture Research Center Publications.
- Heidari Leila, Azar, Ali, (2020), A Study of the Position of New Models of Urban Planning in New Urban Neighborhoods (Case Study: Yaghchian Neighborhood, Tabriz), Quarterly of New Attitudes in Human Geography, 11 (3): 355-370
- Iranian Cultural Heritage Organization Documentation Center, (2021), <http://www.ichodoc.ir>
- Jalalian, Sara, Habib, Farah, Zakir Haghghi, Kianoosh, (2015). Development of a conceptual model of environmental factors affecting the security of residential complexes (Case study: Hamedan residential complexes), Quarterly Journal of Environmental Science and Technology. 18 (Special Issue No. 3. Urban Design and Management, 345-360.
- Kamelnia, Hamed, Mahdavi Nejad, Mohammad Javad, (2016), Introduction to Contemporary Architecture from East to West, Alam Memar Publications, Fifth Edition,
- Karke abadi, Zeinab, Ghaderi, Mohammad Reza, Akbari, Mahnaz, Bagheri, Hassan, (2018), Study of the level of development of provinces in the framework of land management, Quarterly of New Attitudes in Human Geography, 11(1): 101-110
- Mirzaei Vahid, Sajjadzadeh, Hassan, Khanlu, Nasim, (2020), Physical and spatial modeling of Iranian house in hot and dry climate (Case study: Abbasian house in Kashan), Quarterly of New Attitudes in Human Geography, 13 (1): 136-153
- Naghizadeh, Mohammad, (2015), Pattern, Principles, Pillars, Attributes and Principles of Islamic City, Farhang-e-Memari and Urban Planning Publications, First Year, Number One, pp.63-80.
- Oliver, Paul. (2006). Built to meet needs: cultural: issues in vernacular architecture, Amsterdam: Boston; London, Architectural.
- Rahmani, Mohammad, (2016), An Analysis of the Physical-Spatial Expansion Pattern of Villages-Cities with Shannon Entropy Model and Holdern Model (Case Study: Jorqan Village), Quarterly of New Attitudes in Human Geography, 9 (1): 39-52.
- Rostami, Kazem, Pourtaheri, Mehdi, Rokanuddin Eftekhari, Abdolreza, (2019), Identifying and ranking the components of environmental quality architecture in rural planning, Rural Research, Volume 10, Number 3, Pages 370.
- Sadegh Pey, Nahid, (2012), History and Reasons for the Tendency to Indigenous Architecture in the West, Islamic Countries and Iran, Shahr-e-Amari Architecture Magazine, No. 2, Spring 2012.
- Saeedi, Abbas, Amini, Fariba, (2010), Occasional residential instability and functional evolution of rural housing Case: Khafr village, Iranian Journal of Geographical Association, Volume 8, Number 27, p. 29-43.
- Salehi, Ismail, (2009). The role of urban planning (environmental theory) in the prevention of abnormal urban behaviors, architecture and urban planning of fine arts Tehran, No. 39, p. 127-137.
- Sarmast, Bahram, (2010), Study and analysis of the role of city scale in the sense of belonging to a place of study: Tehran, urban management, 21 (6). 133-146.
- Sharbatian, Yaghub, (2018), A study of the climate, architecture and culture of Masouleh with a native architectural approach from the perspective of urban anthropology, Quarterly of New Attitudes in Human Geography, 10 (3): 47-59
- Sharifzadegan, Mohammad Hossein, Seyed Amir Razavi(2010), Evaluation of the Planning Process of Land Planning in Iran and its Improvement Strategies, Journal of Environmental Science, No. 4. [In Persian]
- Varasteh Dehkordi, Nasim, Babaei, Hamideh, Bayat, Parviz, (2014), The Impact of Eco-Based Technologies (Methods Based on Traditional Construction in Iranian Architecture), International Conference on New Design and Construction Methods in Contextual Architecture.

**Redefining Contemporary Housing Design Patterns Based on
Anthropological Criteria in Terms of Urban Planning
(Case Study: Bam Houses)**

Pooneh Poursistani

Student of P.h.D, Department of Architecture Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Mehnaz Mahmudi zarandi*

Associate Professor of Department of Architecture, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Javad Madahi Mashizi

Asisstant Professor of Department of Social Sciences, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran

Abstract

In the new era and the current prevalence of anonymity, all constructions in all parts of the country have progressed towards uniformity and due to the neglect of users has led to problems such as reduced satisfaction, loss of cultural and spatial identity. While paying attention to the architecture arising from anthropology, the beliefs of the indigenous community and the city context, which in the present article has tried to deepen the quality of housing in traditional Iranian houses, components to explain effective strategies to increase the quality of contemporary housing. Will be achieved. This research has been done by qualitative method and for the final evaluation of the data, hierarchical analysis method has been used and has been done by Expert Choice software for fuzzy calculations and multi-criteria decision making technique. How to collect information based on checklists for interview techniques, observation and documentary and library studies have been used. Then, by examining the main factors, 22 effective components in the formation of residential spaces of contemporary houses in Bam were expressed. Then, by analyzing and interpreting the criteria and conditions of contemporary society by scoring components and prioritizing indicators, solutions to improve the quality aspects of contemporary housing were proposed. Based on the results of this study, the effective components in the design of residential spaces were classified into six categories: livability, meaningfulness, flexibility, controllability, playability and playability. The results of the extracted calculations indicate that "confidentiality" was selected as the first priority of the category "Supervision" and "vision", "security" and "functional" are less important, respectively. In the category of "meaningful", the sub-criterion of "aesthetics" as the most influential sub-criterion and "sense of place" and "beliefs" were placed in the next categories. According to the results obtained from the category of "Livability", respectively, "light and natural ventilation", "naturalism", "relationship with climate" and "topography" were considered as effective sub-criteria in the design. In the category of "flexibility", the sub-criterion of "human scale" was considered as the most effective sub-criterion, and the "Proximity" and "mass and space" were in the next categories. The results in the category "Behavior" were obtained in such a way that the sub-criteria "comfort" is the most important among the other sub-criteria of the component "flexibility" and the sub-criteria "social interactions", "identity", "Spatial hierarchy" and "balance" are mentioned in the next degrees of importance, and finally in the category of "playability", the sub-criteria of "safety" as the first priority and "Attendance of children" and "color" are the next effective priorities in the design of residential spaces. The city of Bam was introduced.

Keywords: Housing, design patterns, anthropology, contemporary housing, Bam

* (Corresponding Author) mahnaz_mahmoody@yahoo.com